

Examining The Position of Islam and Muslims in Russia's Middle East Policy after the Arab Revolutions

Seyed Razzagh Moghimi

Graduated from Political Science Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran,
srmoghimi2023@gmail.com

Abstract

Objective: Although the Russian Federation is rarely known as a country with an Islamic identity, Islam has always been the second largest religion in this land. Despite different estimates of the nubjmbber of Muslims in Russia, according to some statistics, this country has a population of about 25 million Muslims of various ethnic races. According to these data, it can be assessed that Russia has the largest Muslim minority population in the whole of Europe. Russian leaders and politicians repeatedly emphasize the importance of Islam as an integral part of the country's cultural and social structure. The increasing importance of Islam in Russia has affected the political destiny of this country in three dimensions: demographic balance, regional and international position, and the transformation of national identity. Therefore, the main goal of the current research is to investigate the role and position of Islam and Muslims in Russia (as the inheritor of the Soviet communist system) in Moscow's foreign policy, and its central question is what is the position of Islam and Muslims in Russia's Middle East policy after the Arab revolutions until now. Is.

Method: This article has been written in a descriptive-analytical method using documentary-library sources.

Findings: The findings of the research indicate that, considering the role played by Islam and Muslims in the process of forming Russia's identity, domestic relations and international interactions, as well as the impact of the Islamic factor on the developments and prospects of Russia's security issues, the country's foreign policy In the period after the Arab revolutions, until now, it has been based on the fight against religious fundamentalism, avoiding entering the Shia-Sunni religious divide and trying to improve the image of Russia among the Sunni Islamic communities in the Middle East region.

Conclusion: The present article has come to the conclusion that after the Arab revolutions, Russia, realizing the threat of Islamic fundamentalism and its spread in its Muslim republics from the Sunni Islamic countries, has adopted a balanced policy towards the Islamic countries of the Middle East. . Therefore, it is expected that the role of Islam in Russia's foreign policy will increase and Russian statesmen will be more willing to interact constructively with the Islamic countries of the Middle East. The increasing tendency of Russian citizens towards Islam affects the internal situation of Russia and its foreign policy options in the medium and long term.

Key words: Islam, Religious Fundamentalism, Arab Revolutions, Middle East, Russia.

Article type: Research

* Received on 29 April, 2023 Accepted on 19 June, 2023

Cite this article: Moghimi (2023) Examining The Position of Islam and Muslims in Russia's Middle East Policy after the Arab Revolutions, Summer 2023, Vol.12, NO.2, 131-160.

DOI: 10.30479/psiw.2023.18705.3227

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Seyed Razzagh Moghimi

E-mail: rostami@basu.ac.ir

بررسی جایگاه اسلام و مسلمانان در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، پس از انقلاب -

های عربی

سید رزاق مقیمی

دانش آموخته گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران، srmoghimi2023@gmail.com

چکیده

هدف: اگرچه فدراسیون روسیه، به‌ندرت به‌عنوان کشوری با هویت اسلامی شناخته می‌شود، اما اسلام همواره دومین دین بزرگ این سرزمین بوده است. با وجود برآوردهای متفاوت از تعداد مسلمانان روسیه، بر اساس برخی آمارها، این کشور جمعیتی حدود ۲۵ میلیون مسلمان از نژادهای مختلف قومی را در خود جای داده است. طبق این داده‌ها، می‌توان ارزیابی نمود که روسیه دارای بیشترین جمعیت اقلیت مسلمان در کل اروپاست. رهبران و سیاست‌مداران روسیه، به‌طور مکرر بر اهمیت دین اسلام به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار فرهنگی و اجتماعی این کشور تأکید می‌کنند. اهمیت روزافزون اسلام در روسیه، سرنوشت سیاسی این کشور را در سه بعد تعادل جمعیتی، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی و دگرگونی هویت ملی تحت تأثیر قرار داده است؛ لذا هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی نقش و جایگاه اسلام و مسلمانان در روسیه (به‌عنوان میراث‌دار نظام کمونیستی شوروی) در سیاست خارجی مسکو بوده و سؤال محوری آن، چیستی جایگاه اسلام و مسلمانان در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، پس از انقلاب‌های عربی تا کنون است.

روش: این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای نگارش شده است. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش، نشانگر آن است که با توجه به نقش‌آفرینی دین اسلام و مسلمانان در روند شکل‌گیری هویت، مناسبات داخلی و تعاملات بین‌المللی روسیه و همچنین تأثیر عامل اسلام بر تحولات و دورنمای مسائل امنیتی روسیه، سیاست خارجی این کشور در مقطع پس از وقوع انقلاب‌های عربی تاکنون، مبتنی بر مبارزه با بنیادگرایی دینی، پرهیز از ورود به شکاف‌های مذهبی شیعه - سنی و تلاش برای بهبود تصویر روسیه در میان جوامع اسلامی سنی مذهب در منطقه خاورمیانه بوده است.

نتیجه‌گیری: مقاله حاضر به این نتیجه رسیده است که پس از انقلاب‌های عربی، روسیه با درک تهدید بنیادگرایی اسلامی و گسترش آن در جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود از سوی کشورهای اسلامی سنی مذهب، سیاست متوازنی در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه اتخاذ نموده است. لذا انتظار می‌رود؛ نقش اسلام در سیاست خارجی روسیه افزایش یابد و دولتمردان روسی، تمایل بیشتری به تعامل سازنده با کشورهای اسلامی خاورمیانه پیدا کنند. افزایش روزافزون گرایش شهروندان روسی به اسلام، بر وضعیت داخلی روسیه و گزینه‌های سیاست خارجی آن در میان مدت و بلندمدت تأثیر می‌گذارد.

واژگان کلیدی: اسلام، بنیادگرایی دینی، انقلاب‌های عربی، خاورمیانه، روسیه.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۳/۲۹

استناد: مقیمی (۱۴۰۲)، بررسی جایگاه اسلام و مسلمانان در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه، پس از انقلاب‌های عربی، تابستان ۱۴۰۲، دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۴۶: ۱۳۱-۱۶۰.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف

۱. مقدمه

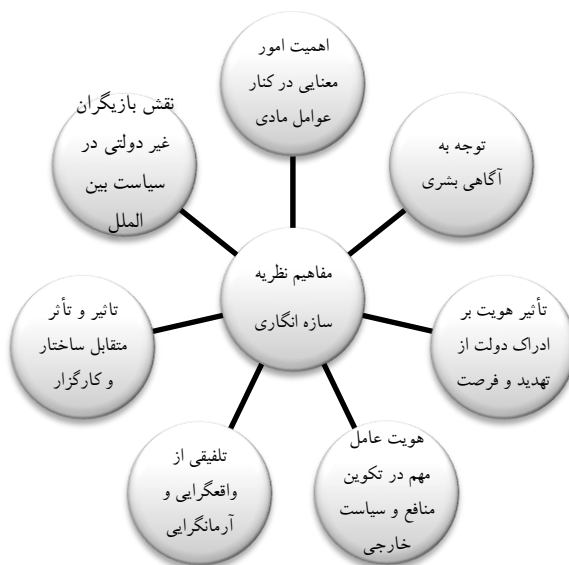
در خصوص ورود دین اسلام به روسیه، نمی‌توان تاریخ مشخصی تعیین کرد. هجوم اعراب به سرزمین ایران در زمان ساسانیان، بین نیمه دوم قرن ششم تا قرن هشتم میلادی اتفاق افتاد که طی آن، ماورای قفقاز نیز به زیر سلطه آن‌ها درآمد و مردم به اسلام گرویدند. با توجه به این که محدوده‌ای از ماورای قفقاز، امروز جزیی از سرزمین روسیه به‌شمار می‌رود، می‌توان ظهور اسلام در این سرزمین را حدود دوازده قرن قبل دانست. به‌طور کلی عواملی؛ از جمله حمله مغولان و سه قرن استیلای آن‌ها در این منطقه، شکست مغولان و برچیده شدن حکومت آنان از روسیه، روی کار آمدن رومانوف‌ها و تبدیل شدن روسیه به سرزمین تزارها که در آن وابستگی کلیسا و حکومت بیش از هر زمانی بود، اصلاحات پتر کبیر و سپس انقلاب اکتبر و ۷۰ سال سایه کمونیسم و درنهایت فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و سیاست دولت‌های نوین روسیه، بر هویت اسلامی، تعریف اسلام و مسلمانان در این کشور تأثیر داشته‌اند. انقلاب‌های عربی و تحولات پس از آن، فضای جامعه مسلمان روسیه را تحت تأثیر قرار داد و به‌دنبال آن، نگاه مسکو نسبت به دین اسلام، مسلمانان و به‌طور کلی جهان اسلام تغییر چشمگیری یافت. این پژوهش، در پی پاسخ به این سؤال است که «دین اسلام و مسلمانان روسیه چه جایگاهی در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه پس از انقلاب‌های عربی تاکنون داشته‌اند؟». فرضیه اصلی پژوهش، آن است که «پس از انقلاب‌های عربی، روسیه با درک تهدید بنیادگرایی اسلامی و گسترش آن در جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود از سوی کشورهای اسلامی سنی مذهب، سیاست متوازی در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه اتخاذ نموده است.» در این نوشتار، ضمن بررسی و آزمون فرضیه اصلی، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از نظریه سازه‌نگاری که هر دو سطح ساختار، کارگزار و عوامل مادی و غیرمادی (هویت و فرهنگ) را مد نظر دارد، تلاش می‌شود؛ تحلیلی نسبتاً متمایز از نقش‌آفرینی اسلام و مسلمانان در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه ارائه گردد. در این راستا، ابتدا تاریخچه‌ای از ورود و گسترش دین اسلام در فدراسیون روسیه بیان می‌شود. سپس به توصیف وضعیت کنونی مسلمانان در جامعه روسیه پرداخته می‌شود و در بخش اصلی، جایگاه دین اسلام و مسلمانان در سیاست خارجی روسیه، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و در پایان نیز به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

۲. چهارچوب نظری

فروپاشی شوروی، علاوه بر ایجاد تغییر در ساختار نظام بین‌الملل، موجب شکل‌گیری فضای جدید در مناطق جهان شد. این فضای جدید، آرایش سیاسی متفاوتی از دوران جنگ سرد را به‌دنبال داشت که موجب پدید آمدن خلأ قدرت، وقوع جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای، خیزش

هویت‌های خاص‌گرایانه و اهمیت یافتن نقش هنجارها، ارزش‌ها و انگاره‌ها در مناسبات بین‌المللی شد. از طرف دیگر، ساختار قدرت در دوره نوین، با تغییراتی اساسی روبه‌رو شد؛ به‌گونه‌ای که مؤلفه فرهنگی، قومی، ارزشی و انگاره‌هایی که تشکیل دهنده هویت می‌باشند، از اهمیت بیشتر و تعیین‌کننده‌تری برخوردار شده‌اند. این رویه، سازه‌انگاری را قادر ساخته تا موازینی را از مکاتب و رهیافت‌های مختلف برگرفته و ضمن رد برخی پایه‌های مکاتب، بعضی موازین آن‌ها را بپذیرد. اگر مکتب رئالیسم، مادی‌گرا و مکتب ایدئالیسم، معناگراست؛ سازه‌انگاری راهی میانه را برگزیده که تلفیقی از آن دو باشد؛ به عبارت دیگر آن‌ها بر ابعاد مادی و غیرمادی حیات اجتماعی تأکید دارند (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۲۳۵). براساس این دیدگاه، دنیای اجتماعی روابط بین‌الملل فقط بر مبنای ساختار مادی نظام بین‌الملل شکل نمی‌گیرد؛ بلکه هویت، نیروهای اجتماعی، زبان، انگاره‌ها و مفاهیم، در تبیین و توضیح الگوهای رفتاری در سیاست خارجی نقش دارند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۸). نظریه سازه‌انگاری، از فرائضیه‌هایی است که برخلاف جریان غالب، در تحلیل پدیده‌های سیاسی، تلاش می‌کند تا نقش جریان‌های اجتماعی - فرهنگی در شکل‌گیری رفتار دولت در عرصه روابط بین‌الملل را واکاوی کند. سازه‌انگاری، دولت‌ها را تنها کارگزار سیاست بین‌الملل نمی‌داند و همراه با آن، نقش بازیگران غیردولتی و جریان‌های اجتماعی و فرهنگی را نیز در این زمینه مهم می‌داند. سازه‌انگاری، از راه رهیافت سیاست هویت تلاش می‌کند تا نقش و تأثیر اجتماع‌های بین‌الذهانی؛ مانند ملی‌گرایی، قومیت، هویت، مذهب، فرهنگ، جنسیت و دیگر گروه‌های اجتماعی را در رفتار سیاست خارجی کشورها توضیح دهد (ونت، ۱۳۸۴: ۱۶۷ - ۱۶۸). سازه‌انگاران، با بحث در مورد بنیان‌های غیرمادی، فرض‌های جریان اصلی را رد می‌کنند و مفهوم «معانی» را در مرکز درک اقدام اجتماعی قرار می‌دهند (Hopf, 1998:191). نکته اصلی این نظریه، تاثیر و تأثیر متقابل ساختار بر کارگزار و کارگزار بر ساختار است. در سازه‌انگاری، واقعیت به عنوان یک برساخته بین‌ذهنی اجتماعی و حاصل تعامل ساختار و کارگزار در نظر گرفته شده است. بازیگران بر حسب معانی ذهنی زبان و تلقی خود که برآمده از محیط داخلی آن‌هاست، دست به کنش می‌زنند؛ البته به نحو متقابل ساختار هم، هویت و منافع آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دیدگاه الکساندر ونت، به عنوان مؤثرترین شخصیت نظریه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل، هرکدام از دولت‌ها در نظام بین‌الملل، نوعی هویت برای خودشان تعریف می‌نمایند که به رفتار آن‌ها شکل داده و پیش‌بینی رفتار آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته، عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است؛ البته هویت‌های درونی دولت‌ها، ازلی و ابدی نیستند و ممکن است در رهگذر زمان بازتعریف شوند یا تغییر نمایند. دیدگاه رایج در بررسی گفتمان سیاست خارجی روسیه، استفاده از نظریه‌های اثبات‌گرا است که نقش عنصر هویت در تکوین منافع ملی و سیاست خارجی را در نظر نمی‌گیرند. به گفته

الکساندر ونت، هویت دولت‌ها که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته است، رفتار کشورها در صحنه نظام بین‌الملل را شکل می‌دهد. سازه‌انگاران معتقدند؛ هویت، کیستی دولت‌ها را می‌سازد و برتری‌ها و منافع کشورها را شکل می‌دهد. هویت، امری ثابت نیست و دستخوش تحول می‌شود؛ در نتیجه رفتار بیرونی کشورها نیز تغییر می‌کند (Fearon & Wendt, 2005: 326 - 329). سازه‌انگاری، تأثیر عامل‌های مادی را نادیده نمی‌گیرد؛ بلکه معتقد است، جنبه‌های فرهنگی، هنجارها و هویت‌ها، به شدت عوامل مادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Wendt, 1999: 137). هر کشوری در شرایط اجتماعی، متمایز عمل می‌کند و نگرانی‌های منحصر به فردی دارد. به همین دلیل، جهان را به شیوه خاص خود در نظر می‌گیرد. هویت دولت‌ها؛ یعنی گرایش‌های شناختی، عواطفی و ارزیابی نسبت به «خود» و «دیگری»، بر ادراک آن‌ها از تهدیدها و فرصت‌ها اثر می‌گذارد. ونت معتقد است؛ میان هویت، تصمیم و کنش بازیگران، رابطه مستقیم وجود دارد. بنابراین، هر بازیگری در ارتباط با دیگران، برداشت‌های خاص خود را دارد و بر اساس آن‌ها، انگاره‌های خود و دیگری شکل می‌گیرد (Fearon & Wendt, 2005: 328).



بر اساس نظریه سازه‌انگاری، منطق حاکم بر سیاست خارجی روسیه، فقط مبتنی بر قدرت مادی، آن‌گونه که واقع‌گرایان اعتقاد دارند، نیست و عوامل دیگری چون باورها، هویت، فرهنگ و تاریخ، بر منافع ملی و سیاست خارجی روسیه تأثیر می‌گذارد؛ لذا برای بررسی رفتار سیاست خارجی روسیه، ضمن توجه به مصادیق قدرت مادی این کشور، باید به شناخت کارگزاران، احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی آن نیز پرداخت. راهبرد سیاست

خارجی روسیه، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، به‌ویژه در دوران پوتین را نمی‌توان فقط با تکیه بر نظریه‌های اثبات‌گرا که اتکایشان توجه به مسائل مادی در شکل‌گیری منافع ملی و کنش خارجی کشورهاست، تجزیه و تحلیل کرد. در این دوران، هویت روسیه به‌عنوان عاملی مهم در تکوین منافع و سیاست خارجی این کشور نقش داشته است. هویت، مجموعه‌ای از باورها در مورد خود، دیگران و روابط میان آن‌هاست (Fearon & Wendt, 2005: 64)؛ لذا برای تأمل در سیاست خارجی روسیه، باید به تجزیه و تحلیل مسائل داخلی روسیه، درک سنت‌های تاریخی و سیاسی، فرهنگ و هویت روسی بپردازیم (Ermolaeva, 2016: 190). بستر تاریخی و ژئوپلیتیکی خاصی که هویت دولت روس، در آن تکوین یافته، به پیدایش نظامی از معانی و ایده‌ها منجر شده است که راهبرد این کشور را در مورد نقش و جایگاه خود در جهان، تحت تأثیر قرار می‌دهند. معمولاً به روسیه، به‌عنوان کشوری استثنایی نگاه می‌شود؛ کشوری که در خانواده ملت‌های غربی، به شکل ضروری، یک خودی به‌شمار نمی‌رود؛ اما در چشم ملت‌های غیر غربی، اروپایی به نظر می‌رسد. روسیه از بیشتر تغییرها و دگرگونی‌های قاره اروپا مستثنی شده یا با تأخیر و به شکل ناقص و متفاوت، آن‌ها را تجربه کرده است. ویژگی‌های جغرافیایی و اقلیمی، بر فرایندهای تاریخی تأثیر گذاشته‌اند و ویژگی‌های خاص ژئوپلیتیکی سرزمین روسیه را به ارمغان آورده‌اند. فرهنگ سیاسی و هویت خاص شکل گرفته بر اثر این عوامل، همواره گزینه‌های پیش روی سیاست خارجی این کشور و محدوده مانور سیاست‌گذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تعریف منافع ملی روسیه از سوی نخبگان سیاسی این کشور، تا اندازه زیادی از ذهنیت‌های شکل گرفته بر اثر عوامل تاریخی، جغرافیایی و دگرگونی‌های فکری در داخل روسیه تأثیر می‌پذیرد و به شکل ضروری، بازتاب دهنده منافع فوری یا بلندمدت اقتصادی این کشور نیست (ولی‌زاده و علی‌زاده، ۱۳۹۷: ۵۲۵-۵۲۶). در این چهارچوب، جایگاه و نقش مسلمانان روسیه در سیاست داخلی و خارجی این کشور را نیز می‌توان تحت تأثیر برداشت و ذهنیت دولت این کشور از آنان و تهدیدهای منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر از آن، مورد ارزیابی قرار داد که در این زمینه، چالش‌ها و مناقشات داخلی روسیه در جنگ‌های چچن، اسلام‌هراسی در جامعه روسیه، ظهور نگرانی برای دولت مرکزی در قبال مسلمانان، به‌عنوان تهدیدی برای امنیت داخلی این کشور و تقویت مداخله‌گرایی در سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه برای مقابله با جریان‌های بنیادگرای اسلامی به‌ویژه در سوریه قابل اشاره است. بر این اساس، تمامی حوادث و رخدادها پیش‌آمده در کشورهای اسلامی به‌ویژه در خاورمیانه، اثر مستقیمی در روند سیاست‌های داخلی و خارجی روسیه و نقش مسلمانان این کشور دارد که در ادامه، به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳. تاریخچه ورود و گسترش اسلام در روسیه

فدراسیون روسیه، در قسمت شرقی اروپا و بخش شمالی آسیا واقع شده و هم‌زیستی طبیعی و روابط متقابل میان اسلاوها (اغلب روس‌ها) و مردم ایران، قفقاز و ترکیه، تعامل مثبتی میان روس‌ها و مسلمانان، بنیان گذاشته و بدین ترتیب، عناصر آسیایی و اسلامی در هویت روسی راه یافته است. برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی که مسلمانان، بیشتر مهاجرند، جوامع مسلمانان روسیه بومی بوده و دارای مرجع جغرافیایی روشن و سنت‌های عمیق قومی هستند (Ярлыкапов, 2016). در مورد ورود اسلام به روسیه، نمی‌توان تاریخ دقیقی تعیین کرد. هجوم اعراب به سرزمین ایران در زمان ساسانیان، بین سال‌های ۶۵۰ تا ۸۰۰ میلادی اتفاق افتاد که طی آن، ماورای قفقاز نیز به زیر سلطه آن‌ها درآمد و مردم به اسلام گرویدند. با توجه به این که محدوده‌ای از ماورای قفقاز امروز، جزیی از سرزمین روسیه به‌شمار می‌رود، می‌توان ظهور اسلام در این سرزمین را حدود دوازده قرن قبل دانست. به این ترتیب می‌توان گفت؛ اولین مسلمانان، زمانی در روسیه حضور داشتند که دولت روسیه به‌معنای امروزی وجود نداشت (Amaliah Team, 2019).

از اواخر قرن هفتم، اسلاوهای دنیپر میانه که بعدها مبنای دولت روسیه را تشکیل دادند، با مسلمانان عرب، قراردادهای مناسبی برقرار کردند. در قرن چهاردهم؛ یعنی در دوره مغول، اسلام با تاریخ روسیه آمیخته شد. تبعیت درازمدت روسیه از نظام‌های سیاسی و اقتصادی مغول، موجب افزایش تعامل میان روسیه و فرهنگ سیاسی آسیا شد که این هم به نوبه خود از قرن چهاردهم وجهه اسلامی به خود گرفت. از اواخر قرن ۱۵، مرزهای روسیه به سوی شرق و جنوب گسترش یافت. آشفته‌گی و هرج‌ومرج طلبی‌های پس از مرگ ایوان مخوف در سال ۱۵۸۴، به ظهور خاندان سلطنتی جدید رومانوف در سال ۱۶۱۳ انجامید و این کشور در تنظیم روابط با ملیت‌های درون مرز خود، تحت تأثیر روابط با دیگر دولت‌های توسعه‌طلب اروپایی قرار گرفت. بدین ترتیب، مقامات دولت مرکزی روسیه، رفتار خفت‌باری نسبت به اسلام در پیش می‌گیرند. این نگرش با گرایش اجباری مسلمانان به مسیحیت، تعطیل یا انهدام مساجد، مدارس و دیگر اماکن مذهبی اسلامی و غصب اموال وقفی همراه می‌شود. از سال ۱۷۸۲، کریمه به امپراتوری روسیه پیوست و روسیه ادعاهایش در مورد قفقاز را که از قرن ۱۶ موضوع اختلاف میان ایران و ترکیه بود، مطرح کرد. در پی جنگ‌های متعددی که میان روسیه با ایران و ترکیه درگرفت، روسیه در قسمت‌های مختلفی از قفقاز، سلطه خود را تثبیت کرد. پیامدهای منفی ناشی از نگرش «کلاسیک» استعماری برای تمامیت ارضی روسیه، حاکمان روسیه را بر آن داشت تا سیاست‌های خود را نسبت به مسلمانان حاشیه امپراتوری تا حد قابل ملاحظه‌ای تعدیل کنند. به دنبال تعیین مرزهای مناطق نفوذ روسیه و بریتانیا در سال ۱۸۹۵، وضع جغرافیایی - سیاسی ثابتی برقرار شد و توسعه‌طلبی‌های روسیه در آسیا پایان پذیرفت.

بدین ترتیب، روسیه در پایان قرن نوزدهم، به یک امپراتوری پهناور چندملیتی و چندمذهبی قاره‌ای تبدیل شد که حداقل یک چهارم جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دادند (پمیلیانو، ۱۳۷۶).

۴. دین اسلام و مسلمانان در فدراسیون روسیه

دین اسلام، در طول قرون متمادی تحت تاثیر عوامل گوناگونی بوده و سیاست دولت مرکزی روسیه، همواره بر این پدیده نقش مهمی داشته است. به طور کلی، عواملی از جمله رسمی شدن مسیحیت در سراسر کشور، حمله مغولان و ۳ قرن استیلای اردوی زرین در این منطقه، شکست مغولان و برچیده شدن حکومت آنان از روسیه، روی کار آمدن رومانوف‌ها و تبدیل شدن روسیه به سرزمین تزارها که در آن وابستگی کلیسا و حکومت، بیش از هر زمانی بود؛ اصلاحات پتر کبیر و سپس انقلاب اکتبر و ۷۰ سال سایه کمونیسم و درنهایت، فروپاشی کشور شورواها در سال ۱۹۹۱ و سیاست دولت‌های نوین روسیه، بر هویت اسلامی و تعریف اسلام و مسلمانان در این کشور تأثیر داشته‌اند (سنایی، ۱۳۹۳). در شهریور ماه ۱۳۹۱، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، به مناسبت دهمین سالگرد اعزام کاروان‌های حج روسیه به مکه، در پیامی اسلام را بخش جدایی‌ناپذیر از فرهنگ و جامعه روسیه خواند. پوتین، در پیامی که در وبسایت کاخ کرملین منتشر شد، اسلام را دینی مبتنی بر اخلاقیات، مهربانی و عدالت خواند. پیام پوتین به مناسبت نشست سالانه حج در شهر «گروزنی» مرکز استان چچن، برای شرکت‌کنندگان در این نشست ارسال شد. وی در بخشی از پیام خود، مشارکت‌های اجتماعی مسلمانان روسیه را ثمربخش خوانده و تأکید کرد که دولت روسیه، فرصت‌های لازم را برای مسلمانان این کشور در راستای اجرای احکام دینی خود؛ از جمله سفر به حج تضمین می‌کند (news channel RT, 2012).

اسلام، یکی از چهار آیین «سنتی» روسیه است. مواجهه روس‌ها با اسلام، به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. در مناطقی از روسیه، اسلام قبل از مسیحیت در صحنه ظاهر شد. برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی، جایی که مهاجرت به رشد جمعیت مسلمانان کمک می‌کند، مسلمانان روسیه مردم محلی هستند، جمعیتی با قدمت طولانی با سنت‌های قومی که قرن‌ها به عقب برمی‌گردند. هویت روسیه، طی چندین قرن تقابل، همزیستی و همکاری با همسایگان مسلمان دگرگون شد. روس‌ها به آرامی گروه ترک‌طلایی، یک خاندان قدرتمند مغول - تاتار را شکست دادند و سپس جنگ‌های بی‌شماری علیه ترکیه عثمانی، ایران، آسیای میانه و قفقاز داشتند. مسلمانانی که اکنون در روسیه زندگی می‌کنند، بیشتر فرزندان این میراث تاریخی هستند. تاتارهای قومی، سومین گروه بزرگ قومی روسیه، پس از روس‌های اسلاوی و اوکراینی، قرن‌ها در روسیه زندگی می‌کنند. جمعیت مسلمانان در تمام بخش‌های سرزمینی فدراسیون روسیه وجود دارد. با این حال، مسلمانان قومی در هفت جمهوری، از بیست و یک جمهوری غالب هستند: باشقیرستان و

تاتارستان در منطقه ولگا - اورال، و چچن، اینگوشینا، داغستان، کاباردینو - بالکاریا و کراچای - چرکسیا در قفقاز شمالی. سایر مناطق روسیه؛ از جمله شهرهای بزرگ مانند: مسکو، نیژنی نووگورود و سن پترزبورگ نیز دارای جمعیت قابل توجهی از مسلمانان هستند. مناطق عمده تمرکز مسلمانان در سیبری و خاور دور؛ شامل اومسک، تیومن، توبولسک، نووسیبیرسک، ولادیوستوک، خبروفسک و اورنگوی است. مسلمانان روسیه، روابط خود را با مسلمانان خارج از کشور، به‌ویژه در خاورمیانه برقرار کردند. به‌طور طبیعی، ایده‌هایی که در سراسر بقیه جهان اسلام در جریان است، به جامعه مسلمانان روسیه نیز راه یافت؛ چه عقاید مترقی و چه تهاجمی (Antúnez, 2016). پس از فروپاشی اتحاد شوروی، اسلام در روسیه گسترش یافت. این گسترش، هم از نظر تشکیلات و ساختارهای ظاهری و هم از نظر آگاهی‌های مسلمانان، نسبت به سنت‌ها و میراث دینی آنان و بالاخره از نظر تاثیر اسلام در ساختارهای جامعه روسیه قابل توجه بوده است. با وجود این، تاکنون آمار دقیقی از تعداد واقعی مسلمانان در این کشور اعلام نشده است. در حال حاضر، تعداد مسلمانان روسیه بین بیست تا سی میلیون نفر برآورد شده است؛ اما در مورد تعداد افرادی که پیر و یک دین در روسیه هستند، اطلاعات دقیق چندانی وجود ندارد؛ چون در سرشماری‌های رسمی، هیچ سؤالی از وابستگی‌های دینی افراد نمی‌شود و اطلاعات کمی هم که وجود دارد، بر اساس تحقیقات و نظرسنجی‌های مؤسسات تحقیقاتی است. برخی آمار جمعیت مسلمانان را ۲۰ تا ۲۵ درصد کل جمعیت نزدیک به ۱۴۰ میلیونی روسیه عنوان کرده‌اند و دلیل آن را میزان بالای زاد و ولد در میان مسلمانان، مهاجرت از مناطق آسیای مرکزی و آذربایجان، عدم مصرف مشروبات الکلی و کم بودن میزان مرگ و میر و عوامل دیگر در این خصوص دانسته‌اند (سنایی، ۱۳۹۳). طبق اطلاعات سال ۲۰۱۵، جمعیت کشور روسیه ۱۴۲،۴۲۳،۷۷۳ نفر است که از این تعداد، حدود ۳۰ میلیون نفر مسلمان هستند. با ساختار اجتماعی چندقومی و چندمذهبی که ۲۰٪ از جمعیت روسیه، ارتدکس؛ ۱۵٪ مسلمان و ۲٪ از سایر فرقه‌های مسیحی هستند؛ در حالی که ۱٪ یهودی، ۱٪ بودایی و ۶۱٪ بی دین بوده و هیچ مذهبی ندارند. اکثر مسلمانان در روسیه، به مذهب تسنن پای‌بند هستند؛ در حالی که شیعه (که ۳٪ مسلمانان را تشکیل می‌دهد) از شهروندان آذری‌تبار مستقر در داغستان تشکیل شده است. تعداد بالای مسلمانان در روسیه، اسلام را به دومین دین بزرگ این کشور تبدیل می‌کند و اگرچه این کشور مسلمان نیست؛ اما یکی از پنج کشور ناظر در سازمان همکاری اسلامی است (Karadere, 2017). اگرچه تصور روسیه در جهان، به‌ندرت با اسلام و هویت اسلامی همراه است؛ اما اسلام همیشه دومین دین بزرگ روسیه بوده است. اگرچه برآورد جمعیت، بسیار متفاوت است؛ اما برخی منابع نشان می‌دهد که مسکو، محل زندگی نزدیک به ۴ میلیون مسلمان است که مدت‌ها پیش از ظرفیت مساجد شهر فراتر رفته‌اند. روسیه، حدود ۲۰ میلیون مسلمان از نژادهای مختلف قومی را در خود جای داده است. بر اساس این داده‌ها، می‌توان ارزیابی کرد که روسیه،

بیشترین جمعیت اقلیت مسلمان را در کل اروپا دارد. علاوه بر این، پیش‌بینی می‌شود؛ تعداد مسلمانان ثبت شده قانونی در روسیه، به حدود ۱۸,۶ میلیون نفر در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد. پیش‌بینی می‌شود؛ طی دو دهه آینده، نرخ رشد جمعیت مسلمانان در فدراسیون روسیه ۰,۶ درصد باشد. در مقابل، انتظار می‌رود؛ جمعیت غیرمسلمان روسیه، سالانه به‌طور متوسط ۰,۶ درصد در مدت مشابه ۲۰ ساله کاهش یابد. عوامل مختلفی در رشد پیش‌بینی شده جمعیت مسلمانان روسیه نقش دارد. به‌عنوان مثال؛ زنان مسلمان به‌طور کلی فرزندان بیشتری نسبت به سایر زنان در روسیه دارند. باروری بالاتر مسلمانان با این واقعیت ارتباط دارد که تعداد بیشتری از زنان مسلمان ازدواج می‌کنند و کمتر از سایر زنان در روسیه طلاق می‌گیرند. همچنین با وجود آن که میزان سقط جنین در روسیه در بالاترین سطح در جهان است، تحقیقات نشان می‌دهد که زنان مسلمان، به‌طور متوسط کمتر از سایر زنان در روسیه سقط جنین دارند (Antúnez, 2016). مسلمانان روسیه عموماً یا بومی هستند و یا مهاجرانی که از کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و ایالت‌های خودمختار روسیه در نواحی مرکزی، مسکو و برخی از شهرهای مهم این کشور ساکن شده‌اند. دغدغه امروزی دولت مرکزی روسیه، مقابله با جریان‌های فکری - معرفتی برخی از این مهاجران مسلمان است (اشرافی، ۱۳۹۷).

۵. بنیادگرایی اسلامی در روسیه

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اسلام در روسیه به دو اردوگاه متخاصم تبدیل شد. از یک طرف اسلام سنتی به شکلی خاص از تصوف وجود داشت که اصطلاحی به نام «اسلام مردمی» را نیز یدک می‌کشید. از طرف دیگر، اسلامی خاص با عنوان «بنیادگرایی اسلامی» فعالیت خود را آغاز کرد. در روسیه امروز، سلفی‌ها نقش عمده‌ای در سامان‌دهی اسلام مدّ نظر خود بر عهده دارند و از این رو، بیشتر عملیات‌های ضدروسی صورت‌گرفته در منطقه قفقاز و دیگر شهرهای روسیه نیز توسط همین سلفی‌ها انجام شده است. این عده به‌طور خاص در خاورمیانه و به‌خصوص کشورهای عربستان، مصر، تونس و سوریه آموزش می‌بینند. در منطقه قفقاز شمالی و به‌خصوص جمهوری داغستان، سلفی‌ها فعالیت گسترده‌ای دارند. از لحاظ ایدئولوژی، سلفی‌ها، ایالات متحده، رژیم صهیونیستی و به‌طور کلی کشورهای غربی را دشمن دور و روسیه، اسلام سنتی و سکولارها را نیز دشمن نزدیک خود محسوب می‌کنند. سلفی‌ها، خواستار جدایی‌طلبی قومی‌اند و فعالیت‌های خود را بیشتر در دو جمهوری چچن و داغستان انجام می‌دهند. قفقاز شمالی به‌طور معمول کانون مهم رادیکالیسم اسلامی در روسیه بوده است. هرچند سلفی‌گری در دیگر نقاط روسیه تأثیر اندکی داشته است؛ اما به‌تازگی نفوذ این عده در جنوب روسیه، منطقه اورال، سیبری و مناطقی از مسکو، موجب بروز مشکلاتی برای روس‌ها شده است. کارشناسان روسی و سیاست‌مداران این کشور معتقدند؛ سلفی‌های روسیه، در حال تبدیل شدن به عناصر رادیکالی هستند. رستم خامیتف، رئیس‌جمهوری باشقیرستان، با احتیاط

اشاره کرده که «رادیکالیسم مذهبی خطری برای این جمهوری است». مقامات تاتارستان نیز همواره از وجود یک جنگ اعلام نشده در این جمهوری خبر داده‌اند.

کارشناسان می‌گویند؛ منطقه سیبری هدف آینده سلفی‌هاست. محققان روسی نیز هشدار داده‌اند که مسلمانان بنا به دلایلی، در حال از دست دادن محبوبیت خود در میان جوانان هستند و بالعکس، این رادیکال‌ها و سلفیون هستند که با ارائه پاسخ به سؤالات و معضلات جوانان، در حال جذب کردن این قشر تأثیرگذار هستند؛ البته در رابطه با چگونگی ایجاد خطر اسلام سلفی برای روسیه، نظرات متفاوت وجود دارد. در حالی که برخی‌ها چالش اسلام سلفی را تهدید جدی برای آینده می‌دانند، برخی دیگر این امر را مبالغه‌شده در نظر می‌گیرند. نکته قابل توجه در این زمینه این است که چهره سلفی‌گری، به عنوان یک جنبش در اسلام سنی نسبت به سابق تغییر کرده و از یک اجتماع کوچک و نفوذ اندک به حدی رسیده است که هم‌اکنون بیشتر جوانان تحصیل‌کرده در دانشگاه‌های عربی، جذب این گروه‌های رادیکال می‌شوند. نکته دیگر این که متوسط سن شبه‌نظامیان تندرو اسلامی کاهش یافته است. هم‌اکنون سلفی‌های تندرو، در سنین ۲۰ تا ۲۵ سال هستند؛ در حالی که در اوایل دهه ۹۰ این امر به محدوده سنی ۳۰ تا ۳۵ سال مربوط می‌شد. برخی سیاست‌های مسکو در قبال مسلمانان، مهجور ماندن اسلام ناب، مشکلات اجتماعی و اقتصادی، سطح زندگی پایین، بیکاری گسترده و فساد در قفقاز شمالی؛ از جمله دلایلی است که به تشدید بی‌ثباتی در این منطقه کمک کرده است. در مورد تعداد قفقازی‌های موجود در جنگ سوریه، آمار و ارقام بسیار متنوعی ارائه شده است. برخی آمارها حاکی است؛ ۱۷ هزار جنگجوی خارجی در جنگ سوریه حضور داشتند که در بین غیرعرب‌ها، چچنی‌ها اکثریت این افراد را تشکیل می‌دهند.

چچنی‌ها، پس از لیبیایی‌ها، دومین گروه بزرگ نیروهای خارجی حاضر در بحران داخلی سوریه هستند. هرچند درباره تعداد سلفیون قفقازی که از جنگ سوریه به روسیه بازگشته‌اند، آمار و ارقام خاصی مطرح نشده است؛ اما آنچه مشخص است، سوریه به یکی از مکان‌های ایده‌آل برای قفقازی‌ها تبدیل شد. این امر، بدین جهت اهمیت دارد که به علت نبود پایگاه‌های آموزش نظامی در قفقاز، سوریه می‌توانست پایگاه مناسبی برای جوانانی باشد که پس از بازگشت به روسیه، [قادر به انجام حمله دقیق‌تر علیه اهداف روسی می‌شدند]. به بیان یولیا یوزیک، نویسنده روسی که تحقیقات مفصلی درباره مسلمانان روسیه انجام داده است، در ۱۰ سال اخیر، تمام حملات تروریستی صورت گرفته در قلمرو شوروی، از سوی سلفی‌های تکفیری بوده است. یوزیک، با عنوان این مطلب که تمام مناطقی که خواستار جدایی از روسیه هستند، از آموزه‌های سلفی‌گری برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند، می‌گوید: «همسایگی ایران با داغستان روسیه، عاملی است که این امر را به تهران نیز ارتباط می‌دهد و در این زمینه، تلاش و همکاری دو کشور ایران و روسیه برای مقابله با جریانات سلفی‌گری می‌تواند بسیار مؤثر باشد». بعد از

فروپاشی شوروی، عربستان مبلغان بسیاری را برای جذب مسلمانان روسیه، قفقاز و آسیای مرکزی به این مناطق اعزام کرد. تنها اندکی بعد از فروپاشی، روس‌ها شاهد ظهور و گسترش وهابیت در روسیه و منطقه بودند و حمایت مالی و تسلیحاتی عربستان از سلفی‌ها، برای روسیه نگران‌کننده است. عربستان، نفوذ زیادی در مناطق جنوبی روسیه دارد و با خرج پول‌های زیاد و تعلیم جوانانی که برای تحصیل به این کشور می‌روند، به ترویج اندیشه‌های سلفی‌گری و وهابیت می‌پردازد. یکی از گروه‌های سلفی حاضر در سوریه، عناصر افراطی کشورهای روسیه (اسلام‌گراهای قفقاز شمالی) و منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بودند (زارعی، ۱۳۹۲).

جریان سلفی که قدمتی حدود دو دهه در روسیه دارد، با افزایش فعالیت‌های خود در میان مسلمانان از یکسو با جوامع سنتی شیعه و سنی ساکن این کشور اختلافات جدی یافته و از سوی دیگر، به چالش جدی برای دولت روسیه تبدیل شده است. جریان سلفی در روسیه، در مناطق مسلمان‌نشین ریشه دوانده و به خطر جدی برای رهبران مسلمانان و نیز دولت روسیه که خواهان حفظ ثبات و امنیت در کشور و جلوگیری از بروز خشونت‌های مذهبی و قومی می‌باشد، تبدیل شده است. جریان سلفی در روسیه، همانند وهابیت، از خارج تغذیه و تأمین مالی می‌شود و منابع اصلی تأمین مالی و حمایت عقیدتی از آن، عربستان سعودی و برخی شیخ‌نشین‌های عربی می‌باشد. جریان سلفی در روسیه، از حدود دو دهه پیش و پس از فروپاشی شوروی کمونیستی راه یافت و با استفاده از فرصت پیش آمده بر اثر نابسامانی اجتماعی و اقتصادی منطقه قفقاز روسیه و نارضایتی مردم از وضع خود و به‌ویژه سطح بالای بیکاری، توانست پیروانی را در میان مسلمانان برای خود دست و پا کند. ثروت‌های نفتی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در بارور کردن این نهال ضعیف، کمک زیادی کرد؛ به‌طوری که هزاران نفر با استفاده از همین کمک‌های مالی به فرقه سلفی گرویده و توانستند با دریافت کمک مالی امرار معاش کنند. جریان سلفی در روسیه، در حال حاضر در کانون اصلی روسیه؛ متشکل از منطقه قفقاز شمالی، جمهوری تاتارستان و مسکو و مناطق حومه آن، شبکه خود را گسترش می‌دهد. مهم‌ترین کانون فعالیت سلفی‌ها در روسیه، جمهوری‌های منطقه قفقاز روسیه به‌ویژه چچن و داغستان است. جمهوری چچن، در دو دهه اخیر، پایگاه اصلی سلفی‌ها محسوب می‌شود و آن‌ها با حمایت و تقویت حرکت‌های جدایی‌طلبانه در سال‌های پس از فروپاشی شوروی، توانستند در این جمهوری قفقاز جای پای خود را محکم کنند. در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ که دو جنگ داخلی میان جدایی‌طلبان و نیروهای روسی به وقوع پیوست، جریان سلفی از کشورهای عربی صدها جنگجو را روانه جمهوری چچن کرد. در این سال‌ها، شماری از سران گروه‌های جدایی‌طلب چچنی را سلفی‌ها تشکیل می‌دادند و حتی شخصی سلفی به نام «امیر خطاب» از اردن تا رده فرماندهی کل جنگجویان چچنی بالا رفت و سرانجام در سال ۲۰۰۲ در جریان عملیات پنهانی سازمان امنیت فدرال روسیه مسموم شد. داغستان، جمهوری دیگر منطقه قفقاز روسیه، از دیگر کانون‌های

مهم فعالیت سلفی‌ها به‌شمار می‌رود و در این منطقه شمار زیادی از مسلمانان سنی‌مذهب به فرقه سلفی روی آورده‌اند. سلفی‌ها به‌ویژه در داغستان نفوذ یافته‌اند و نه تنها با دولت مرکزی مبارزه می‌کنند؛ بلکه رهبران محلی مسلمانان را هم به قتل می‌رسانند. بر اثر تبلیغات سلفی‌ها، جوانان داغستان سلاح در دست گرفته و به مبارزه مسلحانه روی آورده و به کوهستان‌ها پناه می‌برند. به گفته یک عضو جوان فرقه سلفی در داغستان، روسیه به آن‌ها به دیده شهروند درجه سه نگاه می‌کند و همواره تحقیر می‌کند و این مسأله را احساس می‌کنند. این فرد آرزو می‌کند که روزی فرا برسد که مردم داغستان، از قوانین خدا (اسلامی) اطاعت کنند و نیازی به سازمان پلیس و دیگر نهادهای حکومتی نباشد. دولت روسیه، چنین عقایدی را خطرناک و بستری برای پرورش تروریسم و خرابکاری می‌داند. کانون دیگر فعالیت سلفی‌ها در روسیه، جمهوری تاتارستان در منطقه ولگای این کشور است. به گفته کارشناس ارشد مرکز تحقیقات اوراسیای دانشگاه دولتی قازان، رشد سلفی‌گری در جمهوری تاتارستان در مسیری قرار گرفته که آن‌ها هم مانند افراط-گرایان در جمهوری‌های چین و این‌گوش از حرف و تهدید صرف به عمل روی آورده‌اند. وی گفت: تعدادی از سلفی‌های تاتارستان، در عربستان سعودی آموزش می‌بینند که با بازگشت آن‌ها به این جمهوری و انجام تبلیغات دامنه‌دار، شمار سلفی‌ها به چند ده هزار نفر افزایش خواهد یافت. جریان سلفی در مسکو و مناطق مرکزی روسیه نیز فعالیت گسترده‌ای دارد و بر اساس اطلاعات موجود در برخی از مراکز اسلامی، مسلمانان به-ویژه در مسجد جامع مسکو و مسجد آتراندایا در شمال پایتخت، شمار زیادی از سلفی‌ها فعالیت می‌کنند. برخی اطلاعات در دست است که سلفی‌ها، با تطیع و دادن وعده کمک‌های مالی، مسلمانان به‌ویژه افراد نیازمند مالی را که در روسیه به دلیل تنگناها و محدودیت‌های شغلی، جمعیت عظیمی را تشکیل می‌دهد، اغوا می‌کنند. سران روسیه، این مسأله را درک می‌کنند و هم‌زمان با مبارزه، با گروه‌های تندرو به‌ویژه جریان‌های سلفی و وهابیت، به حمایت از جوامع اسلامی سنتی روسیه می‌پردازند.

برخی از سیاست‌مداران روس؛ همچون «ولادیمیر ژیرینفسکی» رهبر حزب لیبرال دمکرات این کشور، معتقدند که سازمان‌های اطلاعاتی غرب به‌ویژه انگلیس، در پشت سر فعالیت‌های سلفی‌ها در روسیه قرار دارند. ژیرینفسکی، بر این باور است که غرب، با حمایت از فعالیت‌های سلفی‌ها به‌ویژه در منطقه قفقاز روسیه، تلاش می‌کند تا این منطقه را بی‌ثبات کند تا از این طریق، از ایفای نقش فعال مسکو در عرصه جهانی جلوگیری نماید. عربستان سعودی نیز به تغذیه ایدئولوژیک جریان‌های تندرو به‌ویژه فرقه سلفی شناخته شده است. در این شرایط که جریان سلفی به‌عنوان یک جریان وارداتی خطرناک در روسیه شناخته شده است، دولت روسیه تمام تلاش خود را برای مقابله با این چالش بزرگ به عمل می‌آورد و در این کارزار، به همکاری و پشتیبانی جامعه اسلامی این کشور امید بسته است. مسکو امیدوار است با کمک جامعه ۲۵ میلیون نفری مسلمانان این کشور بتواند از رشد جریان‌های تندرو که بستری برای اعمال تروریستی و

مداخله خارجی در امور این کشور را فراهم می‌کند، جلوگیری کرده و زمینه را برای تحکیم جایگاه و موقعیت خود در جهان اسلام و کشورهای خاومیان مساعد کند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱).

مطالعه زندگی مسلمانان روسیه پس از سقوط شوروی سابق، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، افزایش افراط‌گرایی در مسلمانان این کشور را نشان می‌دهد و حضور خیل گسترده مبارزان جهادی روس در مناطق مختلف جهان اسلام؛ از جمله عراق و سوریه، شاهدی بر این مدعاست. گفته شده است که پس از زبان‌های عربی و انگلیسی، زبان روسی، سومین زبان پرتکلم در میان این ستیزه‌جویان است. مبارزان روس‌تبار، شمار قابل‌توجهی دارند و بنا بر گزارش‌های مسؤولان روسیه، رشدی فزاینده را تجربه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه؛ در برخی منابع گزارش شده است که ۵۰۰۰ مبارز، فقط از داغستان به سوریه رفته‌اند. برخی تحلیلگران روس معتقدند که ۸۰ درصد از مسلمانان در برخی نقاط روسیه در معرض افراط‌گرایی هستند؛ البته در نگاه به مجموع جامعه وسیع مسلمان روسیه می‌توان دریافت که بیشتر مسلمانان روسیه، خواهان زندگی مسالمت‌آمیز و دوستانه هستند. با این حال، نمی‌توان گروه‌های افراطی آنان را نیز نادیده گرفت؛ چراکه رفتار خشونت‌آمیز عده‌ای اندک نیز می‌تواند سایر مسلمانانی را که می‌خواهند زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، با مشکل مواجه کند. بررسی علل افزایش افراط‌گرایی در میان مسلمانان روسیه، از جهات مختلفی حائز اهمیت است.

در برخی جمهوری‌های روسیه، «اسلام» دین غالب است که این جمهوری‌ها عبارتند از: آدیغه، باشقیرستان، داغستان، اینگوش، قاباردینو-بالکار، قره‌چای - چرکس، اوستیایای شمالی - آلانیا، تاتارستان، چچن و چوواش در سایر نقاط روسیه نیز تعداد قابل‌توجهی از مسلمانان حضور دارند و به ادعای خود مسلمانان، سه و نیم میلیون مسلمان در مسکو سکونت دارند. جامعه مسلمان روس‌تبار، یکدست نیستند و به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو طبقه اجتماعی دسته‌بندی کرد: یک دسته مسلمانان قفقاز شمالی هستند و دسته دیگر، مسلمانان تاتار و باشقیر که در پی مهاجرت‌های گسترده، امروزه این دو دسته، ارتباط فعالی با یکدیگر دارند. در کنار این دو دسته، مسلمانان مهاجر از آسیای میانه، به‌عنوان گروه سوم حضور دارند. به‌طور کلی در این میان، گرایش‌های افراطی در قفقاز شمالی، بیش از دیگر نقاط روسیه است. مناطق شرقی و مرکزی قفقاز شمالی؛ مثل داغستان، چچن، اینگوشتیا و مناطق استاوروپول، افراطی‌ترین مناطق هستند. عناصر تندرویی که در چچن تحت فشار بودند، به منطقه داغستان منتقل شدند که از افراطی‌ترین مناطق است و جماعت اسلامی آن، در پی مهاجرت چچنی‌ها و پیوستن به آن، در حال افزایش قدرت است. در دیگر مناطق روسیه؛ مثل ولگا، اورال جنوبی و سبیری جنوبی، فعالیت‌های افراط‌گرایانه کمتر است. با وجود این، نباید فراموش کرد که دو دهه پیش، گروه‌های این‌چینی، فقط در تاتارستان و سه یا چهار شهر روسیه یافت می‌شدند؛ ولی امروزه رشد چشمگیری داشته‌اند

و ممکن است در آینده بیش‌تر شوند. برخی از این تندروها، وهابی هستند که در دهه ۱۹۹۰ میلادی، رشد قابل توجهی داشتند و عموم آن‌ها سلفی هستند که برخی از آن‌ها به جریان حزب‌التحریر وابسته‌اند. گرایش جامعه بزرگ و رو به افزایش مسلمان روسیه به جریان‌های تندرو، می‌تواند تهدیدی جدی برای این کشور، همسایگان آن و کل منطقه باشد. افزایش افراط‌گرایی در میان مسلمانان روسیه را می‌توان ناشی از ضعف نهادها و مدارس دینی، نفوذ بیگانگان، سیاست‌های اشتباه دولت و مسئولان، تحولات جهان اسلام پس از ۲۰۱۰ میلادی و همچنین رسانه‌ها دانست (آقا محمدی، ۱۳۹۷).

دو بار جنگ و درگیری روسیه با جدایی‌طلبان چینی در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹، موجب رادیکالیزه شدن بخشی از این جمعیت مسلمان و گسترش اسلام سلفی در این کشور شده است. بسیاری از جوانان مسلمان روسی، خود را عضوی از امت جهانی اسلام می‌دانند تا شهروند سرزمین مادری خود (Cohen, 2007:3). بحران چین باعث شد تا بسیاری از گروه‌های افراط‌گرای مذهبی، در سرزمین روسیه رخنه نموده و با قرار گرفتن در کنار مبارزین چینی، به انجام فعالیت‌هایی؛ نظیر قاچاق تسلیحات و پول، به‌کارگیری جوانان محلی، ترویج جدایی‌طلبی و تحریک نواحی مسلمان‌نشین به جدایی از روسیه، مبادرت ورزند. براساس رویکرد امنیتی، روسیه در دور دوم ریاست جمهوری پوتین، در پی بهبود تصویر بین‌المللی خود نزد جوامع اسلامی بود. این نکته از آن جهت اهمیت داشت که شوروی، در دوره نظام دوقطبی توانسته بود، از رهگذر برقراری روابط مستحکم با جوامع خاورمیانه‌ای که دارای گرایش‌های ضدغربی نیز بودند، به نوعی خود را به‌عنوان مدافع اسلام معرفی نماید. این مسأله در حالی است که روسیه به‌عنوان جانشین شوروی، نتوانست این جایگاه را حفظ نماید. جنگ‌های روسیه با چین، در کنار سیاست‌های حمایت‌گرانه مسکو از صربستان، درخصوص مناطق بوسنی و کوزوو، منجر به تضعیف موقعیت این کشور نزد جهان عرب و اسلام در دهه ۱۹۹۰ شده بود؛ به‌گونه‌ای که به گفته پل ریولین، روسیه در پایان این دهه، نزد جوامع یاد شده، نه مدافع؛ بلکه دشمن اسلام معرفی شد. همکاری روسیه با آمریکا در سرنگون‌سازی رژیم طالبان در افغانستان، گرایش‌های ضد روسی را نزد جهان عرب تقویت نمود. بر اساس نگرش امنیتی، روسیه با نگرانی شدید از این تصویر بین‌المللی ایجاد شده نسبت به آن کشور، نه تنها مخالفت خود را با حمله آمریکا به عراق اعلام نمود؛ بلکه با جدا کردن مسیر خود از آمریکا در مبارزه علیه تروریسم، کوشید تا از رهگذر نزدیکی به کشورهای عربی و مسلمان در خاورمیانه، مانع تزیق رادیکالیسم مذهبی از این منطقه به سرزمین خود شود. از نظر مقامات کرملین، پیوستگی سرزمینی روسیه با خاورمیانه باعث شده تا این کشور بسیار بیشتر از آمریکا نسبت به افراط‌گرایی مذهبی آسیب‌پذیر باشد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۴ - ۲۵).

انقلاب‌های عربی و اتفاقات پس از آن، فضای جامعه مسلمان روسیه را تحت تأثیر قرار داد. اسلام رادیکال‌کشی قوی و پتانسیل سیاسی - نظامی کافی برای جذب جوانان را داراست. شمار زیادی از این افراد به معارضان سوری ملحق شده‌اند که برخی منابع، عدد این افراد را ۸۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر دانسته‌اند. برخی منابع نیز تعداد این مبارزان را قریب به ۳۵۰۰ نفر یا بیشتر دانسته‌اند. به عقیده گریشین، رئیس مرکز دین و جامعه، یکی از علل افزایش افراطی‌گری در میان مسلمانان روسیه، پیروزی‌ها و گسترش نفوذ داعش و مبارزان جهادی در سوریه بود. به گفته نیکولای بوردیوژا، سخنگوی سازمان پیمان مشترک امنیتی، روسیه ۵۰ تا ۷۰ هزار نیروی بالقوه برای داعش دارد که امکان بالفعل شدن آن‌ها وجود دارد. به گزارش دفتر امور دینی مصر، از زمانی که کشورهای عربی تلاش کردند تا اتباع آن‌ها به داعش و جبهه جهادی‌ها ملحق نشوند، رهبران این گروه‌ها به این نتیجه رسیدند که باید برای جذب نیرو، روی آسیای میانه و برخی نقاط حساس دیگر دنیا برنامه‌ریزی کنند؛ چراکه اینان هم تعداد قابل توجهی دارند و هم آشنایی چندانی با ایده‌های افراطی ندارند؛ علاوه بر این که به مبلغان عرب نیز اعتماد زیادی دارند. به نظر می‌رسد که تضعیف امارت قفقاز نیز در این امر بی‌تأثیر نیست و سبب شده است تا شورشیان، به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) تمایل پیدا کنند. از طرفی دیگر، دخالت در سوریه می‌تواند تنش‌ها و اقدامات تلافی‌جویانه این افراد را بیشتر نماید (همان، ۱۳۹۷).

با توجه به چندین دهه نگرانی از تهدید جنبش‌های افراطی (به‌ویژه در قفقاز شمالی) و تلاش سازمان‌های جهادی جهانی برای الهام بخشیدن به اسلام‌گرایان افراطی در روسیه، اغلب جمعیت مسلمانان روسیه به‌عنوان منبع بالقوه بی‌ثباتی در نظر گرفته می‌شود. برخی از ناظران غربی، در مورد خطر «تهدید اسلامی روسیه» هشدار دادند. این زمینه، می‌تواند به ظهور گروه‌های رادیکال مذهبی؛ مانند «امارات قفقاز» دوکو عمروف، حملات تروریستی مکرر در روسیه که توسط طرفداران چنین گروه‌هایی سازمان‌دهی شده بود، درگیری مداوم نظامی بین نیروهای فدرال و افراط‌گرایان محلی در قفقاز شمالی، ظهور چپنی‌ها و داغستانی‌ها به‌عنوان شرکت‌کنندگان برجسته در سازمان‌های جهانی جهادی؛ مانند دولت اسلامی و جبهه النصره و اعلام قفقاز شمالی به‌عنوان استان خلافت توسط رهبر داعش، ابوبکر البغدادی، در ژوئن ۲۰۱۵ اشاره کرد (Гербер, 2017).

۶. جایگاه اسلام و مسلمانان در سیاست خارجی روسیه با نگاه ویژه به خاور میانه

طبق اطلاعات سال ۲۰۱۵، جمعیت کشور روسیه ۱۴۲،۴۲۳،۷۷۳ نفر است که از این تعداد، حدود ۳۰ میلیون نفر مسلمان هستند. بیشتر مسلمانان در روسیه، به مذهب تسنن پای‌بند هستند؛ در حالی که شیعه (که ۳ درصد مسلمانان را تشکیل می‌دهند) از شهروندان آذری‌تبار مستقر در داغستان تشکیل شده است. تعداد بالای مسلمانان در روسیه، اسلام را به دومین دین بزرگ این کشور تبدیل می‌کند و اگرچه این کشور مسلمان نیست؛ اما یکی از پنج کشور ناظر در سازمان

همکاری اسلامی است (Karadere, 2017: 1). مطالعه زندگی مسلمانان روسیه، پس از سقوط شوروی سابق، به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، افزایش افراط‌گرایی در مسلمانان این کشور را نشان می‌دهد و حضور خیل گسترده مبارزان جهادی روس در مناطق مختلف جهان اسلام؛ از جمله عراق و سوریه، شاهدهی بر این مدعاست. گفته شده است که پس از زبان‌های عربی و انگلیسی، زبان روسی، سومین زبان پرتکلم در میان این ستیزه‌جویان است. مبارزان روس‌تبار، شمار قابل‌توجهی دارند و بنا بر گزارش‌های مسؤولان روسیه، رشدی فزاینده را تجربه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، در برخی منابع گزارش شده است که پنج هزار مبارز، فقط از داغستان به سوریه رفته‌اند. برخی تحلیل‌گران روس معتقدند که هشتاد درصد از مسلمانان، در برخی نقاط روسیه در معرض افراط‌گرایی هستند. به‌طور کلی، گرایش‌های افراطی در قفقاز شمالی، بیش از دیگر نقاط روسیه است. مناطق شرقی و مرکزی قفقاز شمالی؛ مثل داغستان، چچن، اینگوشتیا و مناطق استاوروپول، افراطی‌ترین مناطق هستند. در دیگر مناطق روسیه مثل ولگا، اورال جنوبی و سیبری جنوبی، فعالیت‌های افراط‌گرایانه کمتر است. با وجود این، نباید فراموش کرد که دو دهه پیش، گروه‌های این‌چنینی، فقط در تاتارستان و سه یا چهار شهر روسیه یافت می‌شدند، ولی امروزه رشد چشمگیری داشته‌اند و ممکن است در آینده بیشتر شوند (آقا محمدی، ۱۳۹۷).

دین اسلام، نقش تأثیرگذاری در روند شکل‌گیری هویت، مناسبات داخلی و تعاملات بین‌المللی روسیه ایفا کرده است. هویت فرهنگی، ملی و سیاسی مسلمانان، به‌عنوان بخشی از ساکنین همیشگی روسیه در طی تاریخ این کشور تا به امروز، عمیقاً تحت تأثیر پیوستگی آنان با حکومت مرکزی بوده است. گذشته از زمان حکمرانی اتحاد جماهیر شوروی سابق که فشارهای زیادی به مسلمانان و در کل دین‌داران وارد می‌شد و در نتیجه تلاش‌های مقطعی برای کسب خودمختاری بیشتر از سوی مسلمانان انجام می‌گرفت، در سایر ادوار تاریخی روسیه، ارتباط نزدیکی بین جامعه مسلمان‌نشین و دولت مرکزی وجود داشته است. علاوه بر آن، باید به تأثیر عامل اسلام بر تعاملات سیاست خارجی، تحولات و دورنمای مسائل امنیتی روسیه در دوران شکل‌گیری فدراسیون روسیه و ماهیت روابط این کشور با بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای نیز اشاره نمود. با فروپاشی شوروی، اسلام هم از منظر کمی و هم از منظر کیفی، توسعه چشمگیری یافت و مسلمانان، آزادی‌های مذهبی بیشتری نسبت به گذشته به‌دست آورده‌اند. در این میان، دین اسلام به‌عنوان دینی با قدمت و ریشه‌های تاریخی کهن و نیز مسلمانان روسیه با جمعیتی قابل توجه در کنار مجموعه عوامل داخلی و خارجی دیگر؛ از قبیل افزایش قدرت کشورهای مانند جمهوری اسلامی ایران در همسایگی روسیه، تحولات خاورمیانه و آسیای مرکزی و رشد رادیکالیسم اسلامی، منظری را پیش روی همگان قرار داده که در آن خواسته یا ناخواسته، همه قشرهای مردم روسیه، اعم از مقامات، دانشمندان و مردم، به اسلام به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در آتیه و سرنوشت روسیه بنگرند. در نتیجه، دیدگاه دولت روسیه نیز نسبت به مسلمانان تا

حد زیادی تغییر کرده و نه تنها مسلمانان را به عنوان بخش مهمی از شهروندان روسی پذیرفته اند؛ بلکه حتی شاهد سیاست های عمل گرایانه روسیه در قبال جهان اسلام و به ویژه خاورمیانه و تحولات اخیر آن هستیم. بهبود و گسترش روابط روسیه با جهان اسلام، اهمیت ویژه ای در حفظ وجهه بین المللی و ثبات داخلی برای روسیه خواهد داشت و روابط پویای روسیه با جهان اسلام، نه تنها به احیای اقتدار این کشور در صحنه بین المللی کمک خواهد کرد؛ بلکه تا حد بسیار زیادی مراودات مسلمانان روسیه با جهان اسلام و تحرکات آن ها را تحت کنترل خود خواهد گرفت. برای بررسی موضوع نقش اسلام به عنوان یک فاکتور سیاسی، نباید از نقش مسلمانان و میزان توانایی آن ها برای مشارکت در زندگی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی روسیه غفلت کرد. اگرچه بیشتر مسلمانان، از جمله در شمال قفقاز، هرگز خواهان جدایی چچن از روسیه نیستند و حتی روحانیون مسلمان بر این عقیده هستند که نه تنها جامعه ارتدوکس، بلکه جامعه اسلامی نیز به وجود روسیه نیرومند، با ثبات و تجزیه ناپذیر احتیاج دارد؛ اما بی شک خطرات وسیعی از سوی گروه های رادیکالی، می تواند این مناطق را تهدید نماید (Isayev, 2007). اتخاذ سیاست اوراسیاگرایی در دوران روی کار آمدن پوتین، در پیچه جدیدی را به جایگاه جهان اسلام در سیاست خارجی روسیه گشود. اوراسیاگرایان، برخلاف آتلانتیک گرایان، جهان اسلام را نه یک تهدید، بلکه عرصه ای برای همکاری و نقش آفرینی می دانند. پیامد این رویکرد در سیاست خارجی روسیه، افزایش تقابل و مواجهه با غرب و گرایش به سوی کشورهای آسیایی، شرقی و اسلامی بود (کرمی، ۱۳۸۵: ۶۵).

لذا در بیست سال اخیر، کشور روسیه به دلایلی چون مقتضیات همسایگی و ... به ارتباط با جوامع مسلمان روی آورده و مسلمانان روسیه، همانند پلی، این کشور را به جهان اسلام و کشورهای عرب پیوند می زنند. به همین دلیل، مسأله اسلام و مسلمانان در سیاست خارجی روسیه، رفته رفته از اهمیت بیشتری برخوردار می شود (براری، ۱۳۸۸). در سپتامبر سال ۲۰۰۰ که با تصویب «دکترین امنیت اطلاعات» به منظور قرار گرفتن روسیه و اثرگذاری آن در شبکه اطلاعات جهانی، تلاش گسترده ای صورت گرفت، اقداماتی با هدف افزایش ارتباطات با جهان اسلام انجام شد که از آن جمله می توان به راه اندازی شبکه خبری راشا تودی عربی با تمرکز بر روابط روسیه و کشورهای اسلامی خاورمیانه و عضویت روسیه در نهادهای بین المللی اسلامی اشاره کرد (خان محمدی، ۱۳۹۸).

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، آسیب پذیری امنیتی روسیه نسبت به بنیادگرایی و رادیکالیسم دینی، مهم ترین عامل شکل دهنده به سیاست خارجی و جهت گیری این کشور نسبت به جهان اسلام بود. پوتین، رئیس جمهور روسیه، بسیار هوشمندانه به این نتیجه رسید که اسلام نیرویی اثرگذار در آینده دنیا خواهد بود و هر حکومتی در روسیه، بدون تعیین نسبت خود با مسلمانان، امکان ادامه حکومت ندارد. اسلام در روسیه در حال گسترش بود و مسکو با جمعیت رو به رشد

مسلمانان و مطالبات روزافزون آن‌ها مواجهه بود؛ لذا پوتین به دنبال تبدیل موضوع اسلام در روسیه، از تهدید به فرصت بود و سعی داشت با برقراری روابط اقتصادی و سیاسی با رهبران عرب و تاثیر گذاشتن بر افکار عمومی جوامع عربی، مقدمات محبوبیت روسیه در نزد افکار عمومی جوامع عربی را فراهم نماید (فیروز، ۱۳۹۰). ابتکار شخصی ولادیمیر پوتین، برای وارد کردن روسیه در سازمان همکاری اسلامی، هم در شکل‌گیری خودآگاهی مسلمانان روسیه و هم در توسعه همکاری‌های چندجانبه با کشورهای مسلمان، نقش مهمی داشت (Попов, 2018:1). روسیه، بعد از پیوستن به سازمان کنفرانس اسلامی، به عنوان عضو ناظر در سال ۲۰۰۵، اقدامات گسترده‌ای در جهت توسعه روابط متقابل با جهان اسلام انجام داد. میزبانی روسیه در نشست‌های متعدد جهان اسلام و نیز تأسیس بزرگترین مسجد و مجتمع اسلامی کل اروپا در مسکو، به دستور ولادیمیر پوتین، فعالیت آزادانه ادارات دینی مسلمانان و مراکز مطالعات اسلامی، انتشار کتب مختلف در زمینه فلسفه و اندیشه اسلامی و موارد بسیار دیگری، گویای رابطه مسالمت‌آمیز دولت روسیه با مسلمانان است.

روسیه، بر اساس تجربه سال‌ها جنگ داخلی با مسلمانان و نتایج برخورد آمریکا با اسلام سیاسی در خاورمیانه، به این نتیجه رسیده است که امنیت آن، در گروی صلح و ثبات در مناطق مسلمان‌نشین جهان به‌ویژه خاورمیانه است. بنابراین، با توجه به پیوندهای گوناگون آن با این منطقه، هرگونه اختلال در امنیت این مناطق، امنیت روسیه را نیز به خطر می‌اندازد. بنابراین، نگرانی‌های داخلی، از مهم‌ترین علل تلاش روسیه برای نزدیکی به جهان اسلام است. از یکسو برای حل و فصل مسائل مسلمانان خود، نیازمند ارتباط مناسب با کشورهای اسلامی است (هانتز، ۱۳۹۱) از سوی دیگر، برای جلوگیری از گسترش افراط‌گرایی اسلامی در داخل و مناطق پیرامونی کشور، باید از تنش با جهان اسلام پرهیز نماید.

به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مسکو با درک تهدید گسترش و نفوذ افراط‌گرایی اسلامی از افغانستان به نقاط پیرامونی و داخل خاک روسیه، ضمن موافقت با حضور نظامی آمریکا در حوزه نفوذ سنتی و حیات خلوت خود (منطقه آسیای مرکزی و قفقاز)، به همکاری با این کشور در جنگ با طالبان پرداخت و از این طریق توانست، ضمن دفع خطر بنیادگرایی دینی، حمایت بین‌المللی برای برخورد با اسلام‌گرایان چپنی را نیز کسب نماید. پس از ساقط کردن طالبان در افغانستان و در پی تصمیم آمریکا مبنی بر حمله به عراق، به بهانه دستیابی آن کشور به سلاح‌های کشتار جمعی و خلع سلاح رژیم صدام، روسیه در جبهه مخالفان جنگ قرار گرفت و در حمله به عراق، با آمریکا همراهی نکرد. پژوهش‌گران و سیاست‌مداران روسی استدلال کردند که کشور آن‌ها نمی‌تواند مطابق سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه عمل کند. به این واقعیت استناد کردند که روسیه توسط کشورهای مسلمان محاصره شده و حدود ۱۶ میلیون مسلمان در روسیه زندگی می‌کنند. در واقع قرار بود، این [مؤلفه] به عامل مهمی در شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه،

به‌ویژه در دوران پوتین تبدیل شود. در اکتبر ۲۰۰۳، پوتین با وجود جنگ بی‌رحمانه با چین، موفقیت سیاسی قابل توجهی کسب کرد و اولین رئیس دولت، از کشوری که بدون اکثریت مسلمان بود، برای سخنرانی در اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی دعوت شد. پوتین به اعضا یادآوری کرد که هویت اسلامی روسیه، به‌دلیل این واقعیت است که ۸ جمهوری از ۲۱ جمهوری فدراسیون روسیه که از نظر قومی تعیین شده‌اند، تحت سلطه ملت‌های مسلمان است. در یک مصاحبه، پوتین به الجزیره گفت: «برخلاف مسلمانانی که در اروپای غربی زندگی می‌کنند، مسلمانان ما بومی هستند و وطن دیگری ندارند» (Levesque, 2008: 6).

در این مقطع، مسکو توجه خود را نسبت به جهان اسلام افزایش داد. پوتین، رئیس جمهور روسیه، بسیار هوشمندانه به این نتیجه رسید که اسلام نیرویی اثرگذار در آینده دنیا خواهد بود و هر حکومتی در روسیه، بدون تعیین نسبت خود با مسلمانان، امکان ادامه حکومت ندارد. اسلام، در روسیه در حال گسترش بود و مسکو با جمعیت رو به رشد مسلمانان و مطالبات روزافزون آن‌ها مواجهه بود؛ لذا پوتین به دنبال تبدیل موضوع اسلام در روسیه از تهدید به فرصت بود (فیروز، ۱۳۹۰). مسکو، در نگاه راهبردی خود به شرق، نگاهی ویژه به خاورمیانه و به‌طور کلی جهان اسلام داشت. منطقه‌ای که در آن نوعی نارضایتی از آمریکا و بدبینی نسبت به غرب وجود داشت و روسیه می‌توانست به بهترین شکل از این احساسات بهره‌برداری نموده و با فروش تسلیحات نظامی به سوریه و به رسمیت شناختن گروه‌هایی؛ نظیر حماس و حزب الله که از سوی غرب به‌عنوان گروه‌های تروریستی شناخته شده بودند، گام‌های مؤثری جهت تحکیم روابط با کشورهای خاورمیانه به‌خصوص کشورهای معارض با آمریکا بردارد. روسیه برای پی‌گیری سیاست‌های خود در خاورمیانه، علاوه بر آن که روابط نزدیکی که با کشورهای؛ همچون ایران، سوریه و مصر برقرار کرد، به‌عنوان عضو ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی نیز حضور یافت و سعی می‌کرد، نقش مؤثرتری در مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی و روند صلح خاورمیانه ایفا نماید (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۵: ۳۶ - ۳۷).

در آگوست ۲۰۰۳ در زمان دیدار رسمی «ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهور روسیه از مالزی، خط‌مشی روسیه در جهت نزدیکی مسکو به سازمان کنفرانس اسلامی اعلام شد و در اکتبر همان سال، وی به‌عنوان میهمان در نشست سازمان حضور یافت که در آن زمان، قصد مسکو مبنی بر کسب جایگاه ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی اعلام شد (منصوری و جاودانی مقدم، ۱۳۹۷: ۳۹۷). اما مشکلاتی فنی به وجود آمد؛ هیچ‌کشوری تاکنون بدون این که بخواهد عضو کامل سازمان شود، به‌عنوان ناظر حضور نداشته است. روسیه، به‌دلایل متعدد و این که مسلمانان در آن، اقلیت را تشکیل می‌دهند، نمی‌تواند به سازمان کنفرانس اسلامی بپیوندد. در نتیجه، پس از رایزنی‌های طولانی با نمایندگان کشورهای اسلامی در دیدار وزیران امور خارجه کشورهای

عضو سازمان کنفرانس اسلامی در یمن در ماه ژوئن سال ۲۰۰۵ میلادی، روسیه پس از انتظاری طولانی به‌عنوان ناظر وارد سازمان کنفرانس اسلامی شد (بلینکایا، ۲۰۰۵).

پس از ورود روسیه به سازمان همکاری اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی سابق) به‌عنوان عضو ناظر، چندین رویداد مهم رخ داد: پیوستن روسیه به‌عنوان ناظر در سازمان جهانی اسلامی برای آموزش و پرورش، علوم و فرهنگ (ISESCO)، سفر رهبران حماس به مسکو، اعزام گردان چچن به لبنان، پس از جنگ ۲۰۰۶، سفر تاریخی رئیس‌جمهور روسیه به عربستان سعودی و تعدادی دیگر. در کل تاریخ دولت روسیه، پوتین اولین کسی بود که رسماً در بالاترین سطح اعتراف کرد که روسیه «یک کشور مسلمان نیز هست». قبل از او، نه پادشاهان، نه امپراتورها و نه دبیران کل این کار را نکردند. وی افزود: مسلمانان روسیه از هر حقی برخوردارند که خود را بخشی از امت جهانی بدانند و خود روسیه همواره متحد ژئوپلیتیک اسلام بوده و هست. او تأکید کرد که «اسلام همیشه یکی از پایه‌های دولت روسیه بوده است و البته قدرت دولتی در روسیه، همیشه از اسلام سنتی ما حمایت خواهد کرد.» این‌گونه بود که پوتین، دومین گام تاریخی در سازگاری اسلام با شرایط سیاسی و اجتماعی روسیه را رقم زد. اولین مورد ۲۵۰ سال پیش، در زمان کاترین ایچاد شد (Mykhametov, 2012).

روسیه، پس از پیوستن به سازمان کنفرانس اسلامی، به‌عنوان عضو ناظر در سال ۲۰۰۵، اقدامات گسترده‌ای در جهت توسعه روابط متقابل با جهان اسلام انجام داد. میزبانی روسیه در نشست‌های متعدد جهان اسلام و نیز تأسیس بزرگترین مسجد و مجتمع اسلامی کل اروپا در مسکو، به دستور ولادیمیر پوتین، فعالیت آزادانه ادارات دینی مسلمانان و مراکز مطالعات اسلامی، انتشار کتب مختلف در زمینه فلسفه و اندیشه اسلامی و موارد بسیار دیگری، گویای رابطه مسالمت‌آمیز دولت روسیه با مسلمانان می‌باشد. مقامات کرملین مکرر تأکید کرده‌اند که روسیه بدون تردید کشوری اروپایی و بخشی از تمدن اروپا است (March, 2012: 410) اما حتی اگر خواسته‌های روسیه، به شکل ذاتی اروپایی باشند، پندار عمومی این است که روسیه به میزانی متفاوت، پل پیوند دهنده فرهنگ‌ها است و نه کشوری مشابه بقیه اروپا. این تفاوت به باور بسیاری از مورخان روس، به هنگام حمله مغول به روسیه در قرن سیزدهم و به‌دنبال آن بیش از دو قرن سیطره اردوی زرین برمی‌گردد که در نتیجه‌اش مسیر تحولات روسیه از بقیه اروپا جدا شد (Light, 2003: 54 - 55). پوتین و دیگر رهبران بلندپایه روسیه، همواره تأکید می‌کنند که روسیه، به‌عنوان یک کشور اروپایی، مأموریتی تاریخی و وجودی به‌عنوان پلی بین غرب و جهان اسلام دارد (Levesque, 2008: 6-7). پوتین برخلاف دیگر رؤسایان جمهور روسیه، به حضور جمعیت گسترده مسلمانان در روسیه اذعان دارد؛ لذا در سیاست خارجی فعلی روسیه، بر نقش جهان اسلام تأکید بسیاری می‌شود. در دوران پوتین تلاش شد که در سیاست خارجی این کشور، تعادلی میان شرق و غرب ایجاد شود و منطقه اوراسیا به‌عنوان اولویت اول سیاست خارجی این

کشور تعریف شود. در این دوران، روابط با شرق به خصوص جهان اسلام تقویت شده و برای اولین بار پوتین اذعان کرد که نزدیک به ۳۰ میلیون مسلمان در نقاط مختلف روسیه زندگی می‌کنند. در واقع، روسیه برخلاف گذشته به این نتیجه رسیده است که از جهت هویت و فرهنگ با اروپا تفاوت‌هایی دارد. در همین چهارچوب، روسیه تلاش می‌کند که روابط خود را با جهان اسلام تقویت کند (سنایی، ۱۳۹۲: ۱). رویکرد روسیه نسبت به جهان اسلام، از اولویت‌ها و اصول سیاست خارجی متعددی سرچشمه می‌گیرد که برخی از آن‌ها را می‌توان از دکترین روسیه و بیانیه‌های دولتی این کشور درک کرد. در ماده ۹۴ دکترین جدید سیاست خارجی روسیه که در تاریخ ۳۰ نوامبر سال ۲۰۱۶ و به فرمان ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، به تصویب رسید، با تأکید بر گسترش ارتباط با کشورهای جهان اسلام به عنوان یکی از اولویت‌های سیاست خارجی روسیه آمده است: «روسیه از امکان حضور خود در سازمان همکاری‌های اسلامی به عنوان عضو ناظر، به منظور گسترش بیشتر تعامل با کشورهای جهان اسلام و توسعه شراکت با آن‌ها در امور گوناگون استفاده خواهد کرد» (کرامتی‌نیا، ۱۳۹۵). در این راستا، حجم مبادلات تجاری بین روسیه و کشورهای سازمان همکاری اسلامی در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۹ تقریباً سی درصد (۲۷,۵ درصد) افزایش یافته است (Министерство экономического развития Российской Федерации, 2021^۱). رویکرد روسیه نسبت به جهان اسلام، به‌ویژه جوامع مسلمان خاورمیانه، جلوگیری از تأثیر بنیادگرایی اسلامی بر مسلمانان این کشور است. در این راستا، به دنبال بهبود روابط با کشورهای اسلامی برای کاهش تنش با مسلمانان داخل کشور خود است. باید توجه داشت که برخلاف اتحاد شوروی که یک چهارچوب سیاسی داخلی با ثبات داشت، روسیه باید بسیاری از تلاش‌هایش را به حفظ انسجام قلمروی خود اختصاص دهد. در این چهارچوب، خاورمیانه منبعی خطرناک و بالقوه برای بی‌ثباتی داخلی روسیه و انتقال ناآرامی‌ها به اقلیت مسلمان روسیه است (Dannreuther, 2012: 545). در واقع، از دیدگاه مباحث مربوط به امنیت سرزمینی، «تهدید اسلامی» در روسیه بسیار خطرناک برآورد می‌شود. چنین تهدیدی، در چند سطح مجزا، اما مرتبط با هم، مورد توجه دولت مردان روسیه قرار می‌گیرد: در سطح اول؛ مسلمانان ساکن در خود فدراسیون روسیه قرار دارند که بیشتر در مناطق ولگا – اورال و قفقاز شمالی ساکن هستند و حدود ۲۰ میلیون نفر از جمعیت فدراسیون روسیه را تشکیل می‌دهند. در سطح دوم؛ مسلمانان کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی قرار دارند که جمعیت آن‌ها به بیش از ۶۰ میلیون نفر می‌رسد. در سطح سوم؛ کشورهای مسلمان‌نشین غیرعرب که با مناطق نامبرده همسایه‌اند (افغانستان، پاکستان، ایران و ترکیه) مورد توجه قرار می‌گیرند؛ و سرانجام، سطح چهارم نیز به مسلمانان کشورهای عرب منطقه خاورمیانه اختصاص دارد. در این میان، آنچه بیش از همه اسباب نگرانی دولت روسیه را فراهم می‌کند، موضوع «ظرفیت تهدید»

۱. وزارت توسعه اقتصادی فدراسیون روسیه

این کمر بند اسلامی است که - در رابطه با فدراسیون روسیه - در قالب گسترش اسلام تندرو و به دنبال آن، گسترش جدایی طلبی و نیز تروریسم جلوه گر می شود (کولایی و عزیزی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۸). لذا روسیه تلاش نمود تا از رهگذر نزدیکی به کشورهای اسلامی در خاورمیانه، مانع تزریق بنیادگرایی دینی از این منطقه به سرزمین خود گردد. از این منظر، جمهوری اسلامی ایران، اهمیت بیشتری پیدا می کند؛ زیرا ایران می تواند گونه ای متعادل از اسلام را به جوامع مسلمان روسیه ارائه نماید. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در حفظ ثبات و امنیت منطقه خاورمیانه و مخالفت آن با اسلام افراطی و تروریسم تکفیری، روسیه را ناگزیر از همکاری با جمهوری اسلامی ایران برای حضور در خاورمیانه ساخته است.

بر اساس آنچه در سطور بالا بیان شد؛ پس از انقلاب های عربی سال ۲۰۱۱، اسلام و مسلمانان در سیاست خاورمیانه ای روسیه، به دلایل زیر اهمیت مضاعف یافته است:

۱. مجاورت جغرافیایی با کشورهای مسلمان خاورمیانه: فدراسیون روسیه، از طریق کشورهای ایران و ترکیه عملاً با منطقه خاورمیانه همسایه است؛ ضمن آن که مسافت میان گروزی پایتخت چچن و موصل عراق، حدود ۹۶۵ کیلومتر است. بنابراین، مجاورت فیزیکی و همسایگی، یکی از مهم ترین دلایلی است که منطقه خاورمیانه را برای روس ها با اهمیت می کند.

۲. عامل مشترک مسلمانان: با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دیواری که میان مسلمانان روسیه و سایر مسلمانان کشیده شده بود، از بین رفت و مسلمانان این کشور، روابط خود را با مسلمانان خارج از کشور، به ویژه در خاورمیانه برقرار کردند. به طور طبیعی، ایده هایی که در سراسر بقیه جهان اسلام در جریان است، به جامعه مسلمانان روسیه نیز راه می یابد.

۳. ناآرامی های مذهبی مداوم: ورود اندیشه های افراط گرایی و جنگ طلب از خاورمیانه به قفقاز شمالی و به خصوص جمهوری های تاتارستان و باشقیرستان، همواره موجب نگرانی روس ها بوده است.

پس از آغاز تهاجم نظامی روسیه علیه اوکراین و به تبع آن وضع تحریم های بی سابقه علیه مسکو، این کشور توجه خود را به کشورهای مهم در جهان اسلام و خاورمیانه، برای خنثی کردن تاثیرات اقداماتی که غرب برای منزوی ساختن روسیه در پیش گرفته، معطوف کرده است (Semenov, 2022). بر اساس سند جدید سیاست خارجی فدراسیون روسیه که به منظور به روز رسانی حوزه های اولویت دار، اهداف و فعالیت های سیاست خارجی این کشور در تاریخ ۳۱ مارس ۲۰۲۳ به تصویب رسید، مسکو در نظر دارد، بر توسعه همکاری با ایران، ترکیه، عربستان سعودی، مصر و همچنین حمایت از سوریه تمرکز کند. مسکو به «ایجاد معماری پایدار و جامع امنیت منطقه ای و همکاری در خاورمیانه و شمال آفریقا، مبتنی بر ترکیب ظرفیت های همه دولت ها و ائتلاف های منطقه ای بین دولتی؛ از جمله اتحادیه کشورهای عربی و شورای همکاری خلیج فارس» خواهد پرداخت (Анонимный, 2023).

در مجموع، سیاست روسیه، پس از انقلاب‌های عربی در مواجهه با اسلام و مسلمانان را می‌توان به شرح زیر برشمرد: احترام به اسلام؛ همکاری فعال با اسلام معتدل؛ مخالفت شدید با افراط‌گرایی اسلامی؛ جلوگیری از هم‌گرایی افراط‌گرایی اسلامی با ناسیونالیسم تهاجمی و تجزیه-طلبی؛ مقابله با بهره‌برداری جریان‌های بنیادگرای اسلامی از عامل چچن علیه روسیه و هدایت افراط‌گرایی به آن؛ جلوگیری از شناسانده شدن افراط‌گرایی اسلامی به‌عنوان اسلام واقعی و معرفی آن به‌عنوان جریان مخالف با اسلام؛ محدود کردن فعالیت گروه‌های افراطی اسلامی در قلمرو سایر کشورها (عربستان سعودی، ترکیه و غیره) از طریق سیاسی و دیپلماتیک (Вадимович, 2010) و اتخاذ سیاست متوازن در قبال کشورهای اسلامی خاورمیانه که مهم‌ترین محورهای آن عبارتند از: ترویج اسلام سیاسی میانه‌رو، بهبود روابط با کشورهای اسلامی، ایجاد توازن در روابط با قدرت‌های دارای نقش در بحران سوریه و تلاش برای پرهیز از ورود به اختلافات مذهبی کشورهای شیعه و سنی.

۷. نتیجه‌گیری

اسلام از لحاظ تعداد پیروان آن، دومین دین در فدراسیون روسیه است. جمعیت قابل توجه مسلمانان این کشور و تأثیر جنبش‌های اسلامی در آسیای مرکزی و خاورمیانه بر روسیه، حداقل به دلیل نزدیکی مستقیم و غیرمستقیم مرزها، حساسیت روسیه را نسبت به اسلام و گرایش‌های اسلامی در منطقه در پی داشته است. نفوذ افراط‌گرایان اسلامی در روسیه و مناطق پیرامونی این کشور، هزینه‌های زیادی بر مسکو تحمیل کرده است. این امر موجب شده تا سیاست عدم خصومت با جامعه مسلمانان و همچنین تلاش برای جلوگیری از ایجاد تصور منفی از روسیه، به‌عنوان قدرتی ضد اسلام، در دوره پوتین تقویت شود. به نظر وی، اسلام‌گرایی افراطی در روسیه و جمهوری‌های پسا شوروی، از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی روسیه است. این امر، بیش از همه به دلیل نظام‌های اقتدارگرای حاکم در منطقه است که موجب می‌شود، وقوع هرگونه ناآرامی در این کشورها، با تهدید قدرت گرفتن سلفی‌ها همراه شده و مرزهای روسیه، از داخل و خارج نیز با خطر مواجه شود. پس از انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۱، روسیه از یک سو، در راستای مبارزه علیه تروریسم و بنیادگرایی مذهبی، در قالب رشد جریان‌های تکفیری به رهبری داعش در خاورمیانه و مشخصاً سوریه، به سمت همکاری استراتژیک با کشورهای محور مقاومت و گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت آن‌ها پیش رفت و از سوی دیگر، این شرایط ایجاد نمود، روسیه به‌منظور اقناع مسلمانان اهل تسنن، خود پیرامون همکاری با کشورهای شیعی در سوریه و جلوگیری از تحریک افراط‌گرایی دینی در جمهوری‌های مسلمان‌نشین خود توسط کشورهای اسلامی سنی مذهب، به گسترش روابط با این کشورها پردازد. در این مقطع، روسیه با اتکا به درکی که از جوامع مسلمان داشت، با جهان اسلام وارد تعامل شده و هویت جدید و به تبع آن، منافع جدیدی برای خود تعریف کرده است. در واقع، در مورد رویکرد روسیه به جهان اسلام،

نکته مهم، توجه به قالب ذهنی و برداشت روسیه از منافع خود در ارتباط با کشورهای اسلامی است. در دوره پس از فروپاشی شوروی، به‌ویژه در دوران پوتین، هویت روسیه به‌عنوان عاملی مهم در تکوین منافع و سیاست خارجی این کشور نقش داشته است. روسیه، با تهدید تلقی کردن مسائل برخی مناطق جهان اسلام؛ ازجمله خاورمیانه و در راستای جلوگیری از خطر نفوذ اسلام‌گرایان افراطی، از این منطقه به داخل خاک این کشور و مناطق مجاور خود، سیاست متوازنی نسبت به جوامع اسلامی اتخاذ کرده است. بر این اساس، روسیه با اقدام نظامی در سوریه، سعی کرد؛ محور ایران، سوریه، عراق و حزب‌الله لبنان را در برابر جریان‌های حامی غرب در خاورمیانه تقویت و از این رهگذر، توان اثرگذاری خود در معادلات منطقه‌ای را حفظ کند. روسیه پس از انقلاب‌های عربی توانست، ضمن دفع تهدیدات، از فرصت ایجاد شده استفاده نموده و با اتخاذ سیاستی متوازن در قبال قدرت‌های منطقه‌ای؛ مانند ایران و عربستان، جایگاه گذشته خود را در خاورمیانه باز یابد. روسیه برای عدم ایجاد هرگونه اتحاد استراتژیک و همه-جانبه با هریک از کشورهای اسلامی خاورمیانه و حفظ تعادل و برقراری موازنه در روابط با آن‌ها، به یک همکاری موقت و موردی با هرکدام از این کشورها اقدام کرده تا ضمن بهره‌برداری از منافع حاصل از همکاری با تمام کشورها، خود را به هیچ‌یک از آن‌ها متعهد و محدود نسازد. بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان به این نتیجه رسید که پس از انقلاب‌های عربی، تهدید ظهور افراط‌گرایی اسلامی در داخل خاک روسیه و موج روزافزون ملحق شدن برخی از اتباع این کشور به آن، روسیه را ناگزیر از برقراری سیاست متوازن در قبال کشورهای اسلامی شیعه و سنی مذهب نموده است. به نظر می‌رسد؛ در مقطع کنونی، حضور روسیه در خاورمیانه، بیش از آن که ایجابی باشد، سلبی بوده و هدف اصلی آن، کنترل تهدیدات در این منطقه است. یافته‌های پژوهش، بیانگر آن است که سیاست خارجی روسیه در قبال منطقه خاورمیانه، به‌ویژه پس از وقوع انقلاب‌های عربی تاکنون، مبتنی بر مبارزه با بنیادگرایی دینی، پرهیز از ورود به شکاف‌های مذهبی شیعه - سنی و تلاش برای بهبود تصویر روسیه در میان جوامع اسلامی سنی مذهب بوده است؛ لذا انتظار می‌رود، نقش اسلام در سیاست خارجی روسیه افزایش یابد و دولتمردان روسی، تمایل بیشتری به تعامل سازنده با کشورهای اسلامی خاورمیانه پیدا نمایند. افزایش روزافزون گرایش شهروندان روسی به اسلام، بر وضعیت داخلی روسیه و گزینه‌های سیاست خارجی آن در میان مدت و بلندمدت تأثیر می‌گذارد.

پیچیدگی فرآیندهای در حال وقوع در جامعه مسلمانان روسیه و رویدادهای جهان اسلام، ایجاب می‌نماید که تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران روسی، بیش از گذشته، نسبت به مسأله افزایش هویت اسلامی در روسیه و تأثیر آن در سیاست خارجی توجه کنند؛ به‌ویژه آن‌که همکاری نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روسیه با کشورهای اسلامی خاورمیانه، به تدریج با گسترش

اختلافات و چالش‌های روسیه با قدرت‌های غربی از زمان حمله نظامی به اوکراین، از اهمیت بیشتری نیز برخوردار گردیده است.

کتابنامه

- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین و مدودف. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، ۹: ۵۴-۹.
- آقامحمدی، مرتضی (اسفند ماه ۱۳۹۷). درآمدی بر علل افزایش افراط‌گرایی در میان مسلمانان روسیه، مجله سراج منیر، شماره ۲۷.
- اشرفی، مرتضی (۱۳۹۷). روسیه و چالش افراط‌گرایی مذهبی. خبرگزاری حوزه. <http://hawzahnews.com>
- براری، خدایار (۱۳۸۸). مسلمانان روسیه، پلی به جهان اسلام. دومانهنامه تحولات ایران و اوراسیا، ۲۵.
- بلینکایا، ماریانا. ۲۰۰۵. آشنایی با روسیه؛ تاریخ مسلمانان روسیه، افغانستان.رو، <https://www.farsi.ru/doc/1414.html> ۲۱/۱۱/۲۰۰۵، قابل دسترسی در:
- خان‌محمدی، زهره (۱۳۹۸)، «مروری بر کتاب دیپلماسی عمومی روسیه: تکامل و عمل»، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران، قابل دسترسی در: <https://tisri.org/?id=787zoeky>
- زارعی، حسین (۲۱ دی ۱۳۹۲)، «اسلام در روسیه از صوفیسم تا سلفیسم»، گروه بین الملل برهان، قابل دسترسی در: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=6217>
- سنایی، مهدی. ۲۷ آبان ۱۳۹۲. «پوتین به جهان اسلام توجه بیش‌تری دارد»، خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/92082716767>
- سنایی، مهدی (۱۳۹۳). «اسلام و مسلمانان در روسیه»، پایگاه تحلیلی خبری قفقاز، قابل دسترسی در: <http://qafqaz.ir/fa/?p=8078>
- فیروز، احسان (۱۳۹۰)، «تحولات سیاست خارجی روسیه پس از جنگ سرد و تاثیر آن بر خاورمیانه»، سیاست ما.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴). روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۵)، «نگرش راهبردی روسیه به جهان اسلام»، ماهنامه ایراس، شماره ۱۳.
- کولایی، الهه و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۹). زمینه‌ها، عامل‌ها و پیامدهای تحول در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه (مجموعه مقاله‌ها)، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ ششم، تهران: سمت.

منصوری، حیدر و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۷)، «ارزیابی سیاست خارجی روسیه در قبال جریان‌های تکفیری در خاورمیانه (مطالعه موردی داعش)»، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، ۱۱(۳): ۳۸۵-۴۱۰.

هانتر، شیرین و دیگران (۱۳۹۱)، اسلام در روسیه؛ سیاست‌های هویتی و امنیتی، ترجمه الهه کولایی و دیگران، تهران: نشر نی.

وبگاه خبرگزاری جمهوری اسلامی (۱۸ مهر ۱۳۹۱). تشدید فعالیت جریان سلفی گری، چالش تازه دولت و مسلمانان روسیه. <https://www.irna.ir/news/80361814>

ولی زاده، اکبر و علی زاده، شیوا (۱۳۹۷). «واکاوی ریشه های تداوم در سیاست خارجی فدراسیون روسیه در دوره پوتین»، مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۱(۲): ۵۱۳-۵۲۹.

ونت، الکساندر (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.

یلمیانوا، گالینا (بهار ۱۳۷۶). روسیه و اسلام؛ تاریخ و چشم انداز روابط، ترجمه معصومه جمشیدی، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، ۱۱(۱): ۹۱-۱۰۶.

References

- Abul Hasan Shirazi, Habibullah (2015). A comparative study of Russian foreign policy during the era of Putin and Medvedev. Scientific Quarterly of International Relations Studies, 9: 9-54. (In Persian).
- Agha Mohammadi, Morteza (March 2017). An introduction to the causes of the increase in extremism among Russian Muslims, Siraj Munir Magazine, No. 27. (In Persian).
- Ashrafi, Morteza (2017). Russia and the challenge of religious extremism. Hozha news agency. <http://hawzahnews.com>. [12 January 1401]. (In Persian).
- Berari, Khodiar (2008). Russian Muslims, a bridge to the Islamic world. Bimonthly Journal of Iran and Eurasia Developments, 25. (In Persian).
- Blinkaya, Mariana. 2005. Getting to know Russia; History of the Muslims of Russia, Afghanistan.ru, 21/11/2005, available at: <https://www.farsi.ru/doc/1414.html>, [26 Bahman 1401]. (In Persian).
- Khan-Mohammadi, Zohra (2018), "A Review of the Book of Russian Public Diplomacy: Evolution and Practice", Tehran Institute of International Studies and Research, available at: <https://tisri.org/?id=787zoeky> [21 March 1401]. (In Persian).
- Zarei, Hossein (21 January 2018), "Islam in Russia from Sufism to Salafism", Burhan International Group, accessible at: <http://borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=6217> [12 January 2018]. (In Persian).
- Sanai, Mehdi. 27 November 2012. "Putin pays more attention to the Islamic world", ISNA news agency, accessible at: <https://www.isna.ir/news/92082716767> [13 Mehr 1401]. (In Persian).

- Senai, Mehdi (2014). "Islam and Muslims in Russia", Qafqaz news analysis database, accessible at: <http://qafqaz.ir/fa/?p=8078> [19 Shahrivar 1401]. (In Persian).
- Qawam, Abdul Ali (2004). International relations: theories and approaches, Tehran: Samit. (In Persian).
- Karmi, Jahangir (2015), "Russia's strategic attitude towards the Islamic world", Iras Monthly, No. 13. (In Persian).
- Kolayi, Elaha and Azizi, Hamidreza (2019). Contexts, factors and consequences of the transformation in Russia's Middle East policy (a collection of articles), Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute. (In Persian).
- Moshirzadeh, Hamira (2018). Evolution in theories of international relations, 6th edition, Tehran: Semit. (In Persian).
- Mansouri, Haider and Javadani Moghadam, Mehdi (2017), "Evaluation of Russia's Foreign Policy towards Takfiri Movements in the Middle East (Case Study of ISIS)", Journal of History, Politics and Media, First Year, Number 3, Autumn 2017, pp. 385 - 410. (In Persian).
- Hunter, Shirin and others (2011), Islam in Russia; Identity and security policies, translated by Elaha Kolayi and others, Tehran: Nei Publishing. (In Persian).
- The website of the Islamic Republic News Agency (18 Mehr 1391). The intensification of Salafism is a new challenge for the Russian government and Muslims. <https://www.irna.ir/news/80361814> [12 January 1401]. (In Persian).
- Valizadeh, Akbar and Alizadeh, Shiva (2017). "Analysis of the roots of continuity in the foreign policy of the Russian Federation during the Putin era", Central Eurasian Studies, Volume 11, Number 2, pp. 513-529. (In Persian).
- Vent, Alexander (2004). Social theory of international politics, translated by Hamira Mushirzadeh, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Studies Office. (In Persian).
- Yelmyanova, Galina (spring 2016). Russia and Islam; History and perspective of relations, translated by Masoumeh Jamshidi, specialized quarterly of contemporary Iranian history, year 1, number 1, pp. 91-106. (In Persian).
- Anonymous (March 31, 2023). "Decree on approval of the Foreign Policy Concept of the Russian Federation", Official website of the President of Russia, Available from: <http://kremlin.ru/events/president/news/70811> [06/13/2023]
- Vadimovich, Kortunov Sergey. 2010. Islamic policy of Russia. Dictionary "What is what in world politics", Available from: www.wehse.ru/cgi-bin/wpg/wehse_wpg_show_text_print.pl?term1302250862 [08.10.2021].
- Gerber, Theodore (May 25, 2017). "Political and social views of Russian Muslims: "Caliphate", "Kadyrovism" or "porridge"?", Ponars Eurasia, Available from: <https://www.ponarseurasia.org/9182/> [07.10.2021].
- Ministry of Economic Development of the Russian Federation. July 28, 2021. "Russia-Islamic World: KazanSummit 2021", Available from: https://www.economy.gov.ru/material/news/maksim_reshetnikov_privetstvo

- val_uchastnikov_xii_mezhdunarodnogo_ekonomicheskogo_sammita_rossiya_a_islamskiy_mir_kazansummit_2021.html [09.10.2021].
- Mukhametov, Rinat (July 1, 2012). "Russian Muslims and Foreign Policy", Russia in Global Affairs, No. 3, May/June, Available from: <https://globalaffairs.ru/articles/rossijskie-musulmane-i-vneshnyaya-politika/> [07.10.2021].
- Popov, Veniamin (2018), "Russia and the Islamic world", Newspaper of War and Army Internet version, Available from: https://www.ng.ru/armies/2018-08-07/8_7283_islam.html [09/06/2020].
- Yarlykapov, Akhmet (2016). "Russian Islam in the context of the situation in the Middle East", magazine Russia in Global Affairs, Available from: <https://globalaffairs.ru/articles/rossijskij-islam-v-kontekste-situaczii-na-blizhnem-vostoke/>.
- Amaliah Team (14 March 2019), "Islam in Russia: Home to 25 Million Muslims", Available at: <https://www.amaliah.com/post/47643/islam-in-russia-tsarist-russian-mosques>.
- Antúnez, Juan Carlos . 2016. Islam in Russia: Challenge or Opportunity?, **Estudios Globales**, <https://global-strategy.org/islam-in-russia-challenge-or-opportunity/>, 06/11/2016.
- Cohen, Ariel (March 2007), "Russia's New Middle Eastern Policy: Back to Bismark?", Yerusalem Centre for Public Affairs, Vol. 6, No. 25, available at: <http://www.jcpa.org>.
- Dannreuther, Ronald (2012), "Russia and the Middle East: a Cold War Paradigm?", **Europe-Asia Studies**, Vol. 64, No. 3, pp. 543-560.
- Ermolaeva, Olga (2017). "An analysis of identity-based and security-oriented Russian foreign policy in relation to Syria". **PhD thesis**, Middlesex University.
- Fearon, James and Alexander Wendt (2005), "Rationalism v. Constructivism: a Skeptical View", in: Walter Carlsnaes, Thomas Risse and Beth A. Simmons (ed.), **Handbook of International Relations**, London: Sage, pp. 52-72.
- Hopf, T. (1998), "The Promise of Constructivism in International Relations Theory", **International Security**, Vol. 23, No. 1, pp. 171-200.
- Karadere, Mervener Lüleci . 2017. Russia and the Region's Muslims: A History of Relations, https://insamer.com/en/russia-and-the-regions-muslims-a-history-of-relations_1056.html. January 26, 2017.
- Levesque, Jacques (2 July 2008). "Russia and the Muslim World: The Chechnya Factor and Beyond", **russian analytical digest**, No 44.
- Light, Margot (2003), "In Search of an Identity: Russian Foreign Policy and the End of Ideology", **Journal of Communist Studies and Transition Politics**, Vol. 19, No. 3, pp. 42-59.
- March, Luke (2012), "Nationalism for Export? the Domestic and Foreign-Policy Implications of the New Russian Idea.", **Europe-Asia Studies**, Vol. 64, No.3 pp. 401-425.

- Semenov, Kirill (March 1, 2022), " Facing Western isolation over Ukraine, Russia looks to Mideast, Islamic world", Al-Monitor, Available at : <https://www.al-monitor.com/originals/2022/02/facing-western-isolation-over-ukraine-russia-looks-mideast-islamic-world>.
- Wendt, Alexander (1999), **Social Theory of International Politics**, Cambridge, New York and Port Melbourne: Cambridge University Press.
- Without name (30 August, 2012). " Islam is inseparable part of Russia's society and culture – Putin", **news channel RT**, Available from: <https://www.rt.com/russia/islam-inseparable-russias-society-915/>, [Accessed 9 March 2023].
- Анонимный (31 марта 2023). " Указ об утверждении Концепции внешней политики Российской Федерации", **Официальный сайт президента России**, Доступна с: <http://kremlin.ru/events/president/news/70811> [13.06.2023].
- Вадимович, Кртунов Сергей. 2010. Исламская политика России. **Словарь «Что есть что в мировой политике»**, Доступна с: www.wehse.ru/cgi-bin/wpg/wehse_wpg_show_text_print.pl?term1302250862 [08.10.2021].
- Гербер, Теодор (May 25, 2017). "Политические и социальные взгляды российских мусульман: «Халифат», «кадыровщина» или «каша»?", **Ponars Eurasia**, Доступна с: <https://www.ponarseurasia.org/9182/> [07.10.2021].
- Министерство экономического развития Российской Федерации. 28 июля 2021. «Россия-Исламский мир: KazanSummit 2021», Доступна с: https://www.economy.gov.ru/material/news/maksim_reshetnikov_privetstvoval_uchastnikov_xii_mezhdunarodnogo_ekonomicheskogo_sammita_rossiya_islamskiy_mir_kazansummit_2021.html [09.10.2021].
- Мухаметов, Ринат (July 1, 2012). "Российские мусульмане и внешняя политика", **Россия в глобальной политике**, No 3, Май/Июнь, Доступна с: <https://globalaffairs.ru/articles/rossijskie-musulmane-i-vneshnyaya-politika/> [07.10.2021].
- Попов, Вениамин (2018), " Россия и исламский мир", **Газета Войны и Армии Интернет-версия**, Доступна с: https://www.ng.ru/armies/2018-08-07/8_7283_islam.html [06.09.2020].
- Ярлыкапов, Ахмет (2016). "Российский ислам в контексте ситуации на Ближнем Востоке", **журнале Россия в глобальной политике**, Доступна с: <https://globalaffairs.ru/articles/rossijskij-islam-v-kontekste-situaczii-na-blizhnem-vostoke/>.